

درس اول : هستی بخش

بذر اندیشه: جوانه زنی در ذهن + ریشه دوانی در دل و قلب + ظاهر شدن برگ و بار به صورت اعمال + پرتراوت و زیباسازی بهار جوانی + شکوفایی استعدادها + نویدبخشی امید به آینده ای زیباتر + برترین عبادت ها.

+ پیامبر اکرم(ص): «افضل العباده ادمان التفكير في الله و في قدرته: . برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست. «
نشستن در فضایی آرام و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی + تفکر درباره این جهان پر جنب و جوش ← ایجاد سوال: موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟! »

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

شناخت اولیه انسان بر اساس فطرت: خدایابی + درک حضور خدا + زندگی در جهانی با هدایت و پشتیبانی آفریننده ای حکیم و مدرسان به موجودات فراخوان قرآن کریم به معرفت عمیق تر درباره خداوند + نشان دادن راه های گوناگونی برای درک وجود او و شناخت صفات و افعال او: تفکر درباره نیازمندی جهان در پیدایش به آفریننده :

* مقدمه ۱: نظر در خود (سیر انفسی) + نظر در اطراف خود (سیر آفاقی) ← انسان و همه موجودات را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

* مقدمه ۲: پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد.

+ ذات نایافته از هستی، بخش خشک ابری که بود ز آب تهی
چون تواند که بود هستی بخش ناپید از وی صفت آب دهی
* نتیجه: ما و مجموعه پدیده های جهان در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده ای نیازمندیم که به ما هستی بدهد و ما را پدید آورد و خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد: وجود برتر و متعالی به نام خدا .

+ آیه: یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید: ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید و خدا است که [تنها] بی نیاز ستوده است.
+ نیازمندی جهان به خدا در پیدایش (و بقا)

نیازمندی جهان به خدا در بقا

یساله من فی السماوات و الارض کل یوم فی شان: هر آنچه در آسمان ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می کند. او همواره دست اندرکار امری است.
+ نیازمندی جهان به خدا در بقا

+ همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خدایند + اگر خداوند لحظه ای آنان را به حال خود واگذارد ← همه نیست و نابود می شوند؛ همچون منبع نوری که اگر یک لحظه نورافشانی نکند پرتوهای نور از بین خواهند رفت ← موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند.
نیازهای دائمی موجودات لطف و فیض دائمی را طلب می کند، او هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده ها است. چنین نیست که خداوند، عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند ← او هر لحظه دست اندرکار امری است .

رابطه بنا با بنا	رابطه جهان با خداوند
بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را.	خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بناست
کار بنا فقط جابه جا کردن مواد و چینش آنهاست	وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می روند و ساختمان متلاشی می گردد ← جهان همواره و در هر « آن » به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ گاه قطع یا کم نمی شود.
مسجد با ساخته شدن، از بنا بی نیاز می شود .	موجودات پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند ← دائما با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.

رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می گردد و لامپ های متصل به آن نیز خاموش می شوند

ما چو کوهیم و صدا در ما زتوست	ما چو ناییم و نوا در ما زتوست
تا که ما باشیم با تو در میان	ما که باشیم ای تو ما را جان جان
تو وجود مطلق، فانی نما	ما عدم هاییم و هستی های ما
حمله مان از باد باشد دم به دم (تشبیه مولوی از انسان ها به شیرهای نقاشی شده بر روی پرچم که بر اثر وزش باد تکان می خورند).	ما همه شیران ولی شیر علم و زش باد تکان می خورند.

آگاهی، سرچشمه بندگی

انسان های ناآگاه: بی توجه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند
انسان های آگاه: احساس دائمی سایه لطف و رحمت خدا + آگاه به نیازمندی خود به عنایات پیوسته او .
[افزایش خودشناسی (معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا) ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی]
← درخواست عاجزانه پیامبر گرامی اسلام(ص) با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، از خداوند: اللهم لاتکلی الی نفسی طرفه عین ابد! خدایا هیچ گاه مرا چشم به هم زدن به خودم وامگذار.
+ برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند.

نور هستی

نور: آن چیزی که خودش پیدا و آشکار است + سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر می شود.
خداوند نور هستی است: تمام موجودات، «وجود» خود را از او می گیرند + به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند + وجودشان به وجود او وابسته است. ← هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق + آیه ای از آیات الهی: هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند + نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی ← نگرستن دقیق و با اندیشه در جهان هستی ← مشهودی خدا در هر چیزی + رویت علم و قدرت او .
+ آیه: «اللہ نورالسموات والارض : خداوند نور آسمان ها و زمین است.»
حدیث علوی: مارایت الله شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه:
«قبله»: نیازمندی به خدا در پیدایش
«بعده»: تنها خدا خالق موت و حیات است ← مشهودی خدا در فنای شیء
+ بیت: دلی کز معرفت نورو صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید
+ ابیات: به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم
معرفت عمیق و والا: توانایی رویت خدا با هر چیزی؛ در نگاه نخست مشکل اما هدفی قابل دسترس؛ به خصوص برای جوانان و نوجوانان به دلیل پاکی و صفای قلب + قدم پیش گذاردن + حرکت با عزم و تصمیم قوی ← برخورداری قطعی از کمک خدا + چشاندن لذت این معرفت به آنان از سوی خدا.

ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی (ماهیت - حقیقت - چگونگی) خداوند:

موضوعات مورد شناخت انسان:

موضوعاتی که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند: گیاهان، حیوان ها، ستارگان و کهکشان ها؛ حتی کهکشان های بسیار دور = توان و گنجایش ذهن ما در فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی: آنها اموری محدود هستند. (کیستی - وجود - هستی)

موضوعاتی که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است = ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم.

نامحدود بودن حقیقت خداوند ← ناتوانی ذهن انسان در احاطه به حقیقت او + شناخت ذاتش ← ناتوانی در دریافت ذات و چیستی خدا علیرغم پی بردن به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان و صفات او ← پیامبر(ص): تفکروا فی کل شی و لاتفکروا فی ذات الله: در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.

رابطه ساعت ساز با ساعت

۱) وجود ساعت از ساعت ساز نیست و او فقط اجزای ساعت را تنظیم می کند

۲- دوام و بقای ساعت وابسته به ساعت ساز نیست

نوع رابطه خدا با مخلوقات رابطه علت با معلول است. برای معلول بدون علت حتی لحظه ای امکان بقا وجود ندارد و اگر لحظه ای این عنایت (هستی بخشی) از مخلوقات برداشته شود چیزی به نام عالم و موجودات آن وجود ندارد.

رابطه خدا با جهان

وجود جهان از خداست خداوند هم هستی بخش است و هم نظم دهنده.

دوام و بقای جهان وابسته به خالق آن است .

درس دوم: یگانه بی همتا

امام علی(ع): خدای من مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار منی، خدای من تو همان گونه ای که من دوست دارم پس مرا همان گونه قرار ده که تو دوست داری. [بندگی ← عزت + پروردگاری خدا ← افتخار]

توحید و یکتاپرستی: مهم ترین اعتقاد دینی + سرلوحه دعوت همه پیامبران + اعتبار نداشتن هیچ اعتقاد دینی بدون اعتقاد به آن + مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین + حیات بخش به این پیکره

اسلام دین توحید + قرآن کتاب توحید + استقرار اخلاق ، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مومنان بر مدار توحید در قرآن کریم.

ب- قل من رب السموات و الارض قل الله قل افاتخذتم من دونه اولياء لایملكون نفعا و لاضرا قل هل یستوی العمی و البصیر ام هل تستوی الظلمات و النور ام جعلوا لله شركاء خلقوا کخلقه فتشابه الخلق علیهم:

+ کسی را می توانیم به عنوان رب خود انتخاب کنیم که خالق جهان است . + کسی که اختیار سود و زیان خود را ندارد نمی تواند ولی و سرپرست مردم باشد.

+ اگر آنچه را که مشرکان شریک خدا قرار می دهند، همچون خدا مخلوقاتی خلق کرده بودند جا داشت که انسان در اعتقاد به توحید به شک بیفتد و به خدایان دیگر نیز معتقد شود.

توحید و یگانگی خدا

اصل و حقیقت توحید: اعتقاد به خدای یگانه + خدا بی همتاست و شریکی ندارد.

+ آیات سوره توحید: بسم الله الرحمن الرحیم، قل هو الله احد ، الله الصمد ، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد. سوره توحید(خلاص):

(۱) خداوند از هر جهت کامل و بی نیاز است . (۲) تنها خداوند است که سزاوار قصد کردن و برطرف کردن نیاز مخلوقات است . (۳) توجه تمام موجودات خواسته یا ناخواسته به سوی خداست .

(۲) آیه: و هو الواحد القهار:

+ درخواست رسول خدا(ص) از آغاز رسالت خود از مشرکان : دست برداشتن از شرک و بت پرستی + ایمان به خدای یگانه با گفتن جمله لا اله الا الله .

+ گفتن لا اله الا الله ← به رسمیت شناخته شدن تمام احکام و حقوق اسلامی فرد + وجوب فاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان + استقرار در زمره برادران و خواهران دینی ← لا اله الا الله فقط یک شعار نیست.

+ پایبندی به لا اله الا الله ← تغییر همه زندگی فرد مسلمان در رابطه با خدا، خویشتن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات.

مراتب توحید و یگانگی خدا

<p>شریکی و بی همتایی در کار آفرینش شریک</p>	<p>اعتقاد به تنها مبدأ و خالق جهان بود</p> <p>+ آیه: الله خالق کل شیء : خدا آفریننده هر چیزی است. + آیه: قل الله خالق کل شیء</p>	<p>(۱) توحید در خالقیت</p>
<p>تنها خالق جهان بودن خدا ← اعتقاد به تنها مالک آن بودن : پدید آوردندگی چیزی ← مالکیت آن .</p> <p>+ آیه: و لله ما فی السموات و ما فی الارض : آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن خداست.</p>	<p>تنها خالق جهان بودن خدا ← اعتقاد به تنها ولی و سرپرست جهان بودن خدا + عدم توانایی مخلوقات در تصرف جهان ، جز او .</p>	<p>(۲) توحید در مالکیت</p>
<p>خداوند، تنها مالک جهان ← اعتقاد به تنها ولی و سرپرست جهان بودن خدا + عدم توانایی مخلوقات در تصرف جهان ، جز او .</p> <p>اذن به این معنا نیست: واگذاری ولایت خداوند به دیگری</p> <p>ولایت به این معنا است: قرار دادن آن شخص در مسیر و مجرای ولایت خود از سوی خداوند</p> <p>پیامبر اکرم(ص): واسطه ولایت خدا و رساننده فرمان هایش .</p> <p>+ آیه: ما لهم من دونه من ولی و لایشرك فی حکمه احدا: آنها هیچ ولی [سرپرستی] جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی سازد.</p>	<p>رب : مالک و صاحب اختیاری که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست : هر کس که خالق و مالک و ولی چیزی باشد می تواند آن را تدبیر کرده و پرورش دهد. خداوند تنها خالق، مالک و ولی جهان ← تنها رب هستی + اداره کننده جهان + هدایت نمودن و به پیش بردن آن به سوی مقصدی که برایش معین فرموده.</p>	<p>(۳) توحید در ولایت</p>
<p>توحید در ربوبیت به این معنا نیست : موجودات، به خصوص انسان، نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند؛ باغبانی که زحمت می کشد و به پرورش درختان اقدام می کند، رشد این درختان نتیجه تدبیر اوست . مقایسه کشاورز با دیگران، یعنی کسانی که در کشت زمین او دخالتی نداشته اند : کشت حاصل دسترنج خودش است.</p> <p>به این معنا است: باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند. بررسی رابطه کشاورز با خدا : هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست + کشت و زرع او براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده رشد کرده و محصول داده است ← در می یابد که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی زراعت او خداست ← باید شکرگزار او باشد.</p> <p>+ آیه: قل اغیر الله ابغی و هو رب کل شیء: بگو آیا جز خدا پروردگاری را بطلبم در حالی که او پروردگار همه چیز است.</p> <p>+ آیه قل من رب السموات و الارض</p>	<p>توانش از آن خداست + کشت و زرع او براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده رشد کرده و محصول داده است ← در می یابد که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی زراعت او خداست ← باید شکرگزار او باشد.</p> <p>+ آیه: قل اغیر الله ابغی و هو رب کل شیء: بگو آیا جز خدا پروردگاری را بطلبم در حالی که او پروردگار همه چیز است.</p> <p>+ آیه قل من رب السموات و الارض</p>	<p>(۴) توحید در ربوبیت</p>

مراتب و درجات شرک

شرک : شریک قرار دادن برای خدا + اعتقاد به شریک داشتن خداوند

<p>(۱) شرک در خالقیت</p>	<p>اعتقاد به آفرینش جهان توسط چند خالق . اثبات بی‌شریکی خداوند در آفرینش: این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان اند، یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده اند : هر کدام از آنها محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند + هر یک از خدایان کمالاتی دارند که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هر یک از آنها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازش را بر طرف نماید ← تصور چند خدایی صحیح نیست + خدای واحد آفریننده جهان است. + ... شرکاء خلقوا کخلقه فتشابه الخلق علیهم</p>
<p>(۲) شرک در مالکیت</p>	<p>اعتقاد به مالک بخشی از جهان بودن اینکه دیگران علاوه بر خداوند و در کنار او شرک در خالقیت ← شرک در مالکیت</p>
<p>(۳) شرک در ولایت</p>	<p>اعتقاد به عهده‌داری سرپرستی جهان توسط دیگران علاوه بر خداوند و در کنار او + دارا بودن حق تصرف در جهان + عبارت قرآنی: ... من دونه اولیاء</p>
<p>(۴) شرک در ربوبیت</p>	<p>اعتقاد به عهده‌داری تدبیر امور موجودات توسط دیگرانی علاوه بر خداوند و در کنار او . باز کردن حساب جداگانه برای خود یا سایر مخلوقات در کنار ربوبیت الهی + گمان توانایی تدبیر کسی مستقل از خداوند ← گرفتار شرک ربوبیت</p>

مرز توحید و شرک

پزشک را وسیله درمان و بهبود بیماری دانستن + درخواست کمک از غیر خدا + دعا را وسیله جلب مغفرت الهی و صدقه را وسیله دفع بلا دانستن + توسل به پیامبران : شرک است یا توحید؟

(۱) خداوند رابطه علیت را میان پدیده‌های جهان حاکم کرده است.

در امور مادی: آتش ← گرما و روشنی ، دارو ← شفا و بهبودی . پزشک وسیله درمان، معمار عامل بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت.
در امور معنوی: دعا ← آرزوش، صدقه ← دفع بلا و صلح رحم ← افزایش طول عمر.

همه این روابط توسط خود خداوند طراحی شده و به اذن و اراده او صورت می‌گیرد ← رفتن نزد معلم برای آموختن + مراجعه به پزشک برای درمان ← عمل به قانون الهی.

(۲) همان گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای اجابت خواسته‌ها نیز منافاتی با توحید ندارد؛ زیرا پزشک به واسطه اسباب مادی و اولیای الهی به واسطه غیر مادی و با اذن خداوند این کار را انجام می‌دهند.
عقیده به توانایی پیامبر اکرم(ص) و اولیای دین در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن):
۱- این توانایی را از خود آنها و مستقل از خدا بدانیم: شرک.

۲- این توانایی را صرفاً از خدا + انجام آن را با درخواست اولیا از خدا و به اذن خدا بدانیم: عین توحید + مانند اثر شفا بخشی دارو که خداوند به آن بخشیده است.
+ عدم اختصاص این توانایی تنها به زمان حیات دنیوی پیامبر اکرم(ص) + استمرار پس از رحلت ایشان = زنده بودن روح مطهر رسول خدا(ص) پس از رحلت + توانایی یاری‌رسانی به انسان‌ها ← درخواست ما از رسول خدا (ص) = درخواست حقیقت روحانی و معنوی ایشان(جسم ایشان).
+ درخواست دعا از پدر و مادر و یا هر مؤمنی برای سعادت‌مندی: شرک الود.

جریان تکفیری: گروهی از مسلمانان که چنین درخواستی را شرک آلود نمی‌دانند + در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است.
تفکر غلط پیروان این جریان فکری خشک و غیرعقلانی درباره توحید و شرک ← کافر و مشرک خواندن مسلمانانی که مانند آنها نمی‌اندیشد + گاه وجوب کشتن آنها.
+ شرک دانستن: توسل به پیامبران و معصومین و طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای اینکه خدا انسان را ببخشد + اعتقاد به کفر این افراد و مسلمان نبودن آنان
← وارد کردن بزرگ‌ترین ضربه بر اسلام + تنفر برخی از مردم جهان از دین اسلام

انتخاب سبک زندگی ← تغییر مسیر زندگی + رقم زدن سرنوشت دنیا و آخرت ← لزوم بر اساس فکر بودن + به دور از احساسات بودن این انتخاب مهم باشد + حمایت دلیلی محکم و عقل پسند از آن.

ریشه سبک‌های زندگی: اندیشه‌های خاص + جهان بینی ویژه: شناخت آن ریشه‌ها ← کمک فراوان به تصمیم گیری درست جهان بینی توحیدی ← زندگی توحیدی = توحید: روح زندگی دینی ≠ شرک: روح و محور زندگی ضد دینی مهم ترین عامل در تعیین هدف ها و رفتارهای انسان: افکار و اعتقادات

+ مثال: پذیرش و ایمان به سعادت‌مندی در کسب ثروت + انحصار خوشبختی با لذات مادی ← مصروف ساختن زندگی در رسیدن به این هدف به طور طبیعی

بازتاب توحید در زندگی

یک اصل: [اعتقادات انسان ← انتخاب مسیر زندگی + رفتار بر همان اساس] ← پذیرش خداوند به عنوان تنها خالق جهان + ایمان به پروردگار هستی بودن او ← داشتن رفتاری متناسب با این اعتقاد + خدا را جهت زندگی خود قرار دادن = حرکت در مسیر توحید عملی.

اثرات پذیرش اعتقاد توحیدی از زبان جعفر بن ابی طالب در حضور «نجاشی» پادشاه حبشه:

«ما قبلاً قومی جاهل بودیم، بت می پرستیدیم، مردار می خوردیم، مرتکب زشتی‌ها می شدیم، .. این چنین بودیم تا اینکه خداوند از میان ما پیامبری مبعوث فرمود که خانواده اش را می شناسیم و به صداقت و امانت داری و عفتش ایمان داریم. پیامبر ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم (توحید: قل هو الله احد)، عبادت کنیم و آنچه را که خود و پدرانمان می پرستیدیم کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم (نهی شرک: لا اله الا الله)، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی... دعوت کرد و از خوردن مال یتیم (ان الذین یاکلون اموال الیتامی ...) و ارتکاب فحشا و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم (اقم الصلاه)، زکات بپردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم (کتب علیکم الصیام)، ما نیز او را تصدیق کرده و به او ایمان آوردیم و از او پیروی کردیم.»

معیار میزان تأثیر گذاری توحید در زندگی: هرچه ایمان قوی تر ← تأثیر عملی آن در زندگی بیشتر + هرچه ایمان ضعیف تر ← تأثیر آن کمتر

+ آیه: اِنَّ اللّٰهَ رَبِّیْ وَ رَبُّکُمْ فَاَعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیْمٌ: همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بندگی کنید (که) این راه راست است.

+ خداوند تنها پروردگار (رب) هستی است ← باید تنها او را عبادت و پرستش کرد و از پرستش غیر او خودداری نمود = توحید در ربوبیت ← توحید عملی

+ بندگی خداوند؛ راه راست و درست زندگی: تنها خدا رب و پروردگار هستی است و همه چیز تحت قدرت اوست + بندگی هرچه غیر از خدا، در حقیقت بندگی

چیزهایی است که هیچ نقش و قدرتی در این عالم ندارند ← اگر کسی در این مسیر گام بردارد و زندگی خود را با اتکا به غیر خدا پیش برد، در راهی پرخطر

گام گذاشته که سرانجامی جز سقوط ندارد.

+ بیت: بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

ابعاد توحید عملی: فردی - اجتماعی ≠ ابعاد شرک عملی: فردی - اجتماعی

بعد فردی توحید عملی = انسان موحد
اطاعت از فرمان های خدا در زندگی: گام گذاشتن در مسیر توحید عملی + کوشش در جهت استقرار تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود در جهت خواست و رضایت الهی؛ مثلاً در نظر گرفتن خدا در انتخاب همسر، شغل، دوست، در چگونگی تحصیل، تفریح، ورزش و حتی در انتخاب نوع پوشش و به طور کلی در تمام برنامه های روزانه خود + تلاش در عدم خروج از دایره فرمان های او.

ثمرات بعد فردی توحید عملی
امیدواری: معنای خاص داشتن جهان + بی حکمت نبودن هیچ حادثه ای در عالم از نظر او علیرغم ندانستن حکمت آن ← امیدواری موحد واقعی + صبوری و استواری در مقابل سختی ها و مشکلات + آنها را زمینه موفقیت های آینده قرار دادن + باور به اینکه دشواری های زندگی نشانه بی مهری خداوند نیست، بلکه بستری برای رشد و شکوفایی اوست.

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

نظیر دوست ندیدم، اگر چه از مه و مهر

که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست

نهادم آینه ها در مقابل رخ دوست

ثبات شخصیت و آرامش روحی: تنظیم زندگی بر اساس رضایت خداوند کرده + پیروی از فرمان های او ← ثبات و پایداری شخصیت + برخورداری از آرامش روحی

مسئولیت پذیری: انسان موحد موجودات جهان را مخلوق خدا می بیند و می داند که خداوند او را در برابرشان مسئول قرار داده است + بدن خود را امانتی الهی می شمارد که خداوند به او سپرده است ← می داند که حق ندارد به آن آسیب برساند + حق ندارد سلامتی دیگران را به خطر اندازد + آسیب نرساندن به حیوانات + کمک به ادامه بقا و زندگی آنها.

+ خطاب امام علی (ع) به مردم زمان خود و همه مومنان: «تقوای الهی پیشه کنید؛ هم در مورد بندگان خدا، هم در مورد شهرها و آبادی ها؛ چرا که شمادر برابر همه اینها حتی سرزمین ها و چهارپایان مسئولید. خدا را اطاعت کنید و از عصیان او بپرهیزید»

بعد فردی شرک عملی = انسان مشرک	دل به هوای نفس (بت درون) سپردن + او را معبود خود قرار دادن + ترجیح اوامرش به فرمان های خداوند یا در پی کسب رضایت قدرت های مادی و طاغوت ها (بت های بیرون) برآمدن . آرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ وَهُوَ أَفْأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا : آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفت، آیا تو می توانی ضامن او باشی او به دفاع از او برخیزی؟
عواقب بعد فردی شرک عملی	تسلیم بودن در برابر امیال نفسانی و فرمان پذیری از طاغوت : خواسته جدید داشتن هر روز هوای نفس + رنگ عوض کردن هر روز قدرت های مادی برای کشاندن به بردگی جدید ← داشتن درونی ناآرام و شخصیتی ناپایدار وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ وَ خَيْرُنْ اطمأنَ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ : از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره ای (تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی) عبادت و بندگی می کند، پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می شود. او در دنیا و آخرت، [هر دو]، زیان می بیند. این همان زیان آشکار است. تفاوت پرستش از روی ایمان با پرستش از روی تردید: پرستش از روی ایمان: پرستشی ثابت و پایدار = دست از پرستش خداوند برنداشتن فرد در هر شرایطی چه در خوشی و چه در راحتی، چه در تنگنا و چه در آسایش. پرستش از روی تردید: مقطعی و سطحی + تغییر آن توسط حوادث تلخ و شیرین = عبادت و بندگی به هنگام خیر رسیدن و رویگردانی از خدا به هنگام سختی و شر .

بعد اجتماعی توحید عملی = جامعه توحیدی	قرار گرفتن همه نهادها و ارکان یک جامعه (ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) یا نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از او + مهم ترین رکن یک جامعه : حکومت آن ویژگیهای جامعه توحیدی: (۱) به حکومت رسیدن حاکم آن بر اساس قوانین الهی و داشتن شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است + کوشش در به اجرا درآوردن قوانین الهی در جامعه .
ثمرات بعد اجتماعی توحید عملی	پیش روی اقتصاد و فرهنگ و سایر ابعاد و ارکان آن به سوی اجرای فرمان های خدای یگانه + جامعه ای عدالت گستر + دوری از تفرقه و تضاد + حرکت به سوی وحدت و هماهنگی : با تمسک به توحید و یکتا پرستی و قرار گرفتن در سایه حکومت الهی ، نه با تمسک به ظالمان و حکومت های غیرالهی + عدم پذیرش حکومت کسانی که خداوند به آنها حق حکومت کردن را نداده است + دوست نکردن با دشمنان خدا و مسلمانان + مبارزه با ظالمان + حمایت از محرومان و مستضعفان بنابه فرمان خداوند + گوش فرا دادن به این سخن خداوند: + يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ : ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، (به گونه ای که) با آنان مهربانی کنید حال آنکه آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده اند.

بعد اجتماعی شرک عملی = جامعه مشرک	همه فقط خواسته ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال کنند + تنها منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی قرار دهند + اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند.
عواقب بعد اجتماعی شرک عملی	فراگیری تفرقه و تضاد در جامعه + از بین رفتن امکان رشد و تعالی + افزایش روز به روز قدرت انسان های ستمگر + به کارگیری دیگران در خدمت امیال خود ← نبود سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان های او = سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای او

ارتباط دو سویه توحید فردی و اجتماعی

رابطه متقابل (دوسویه) میان بعد فردی و بعد اجتماعی توحید: حرکت مردم یک جامعه به سوی توحید ← رنگ توحیدی گرفتن ارکان جامعه + در خدمت اجرای قوانین الهی بودن نهادهای اجتماعی ← آسان تر شدن زمینه برای رشد انسان ها و حرکت به سوی خداوند و زندگی موحدانه

توحید و شرک در جهان امروز

انسان عصر حاضر: جو حاکم بر اکثریت افراد ؛ نه تک تک افراد و تمام افراد جامعه
 واقعیت تلخ : شرک در قالب بت و مانند آن در میان بیش تر جوامع امروزی، وجود ندارد، اما شرک امروز بسیار پیچیده تر از شرک قدیم است که خوب است به آن ها توجه کنیم و برای دوری از آن ها تلاش کنیم.

برخی از شرک های جهان امروز:
(۱) خود را مالک، ولی و رب جهان پنداشتن: جهان خلقت را ملک خود تلقی کردن (شرک در مالکیت) + خود را مالک دیگر جوامع پنداشتن مانند فرعون (که «أنا ربکم الاعلی» می گفت و خود را پروردگار بزرگ مردم معرفی می کرد) + تصمیم گیری برای آن ها + تصرف در جهان بدون توجه به نظر مالک حقیقی آن، یعنی خدا ← تخریب محیط زیست و آلوده شدن طبیعت + پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند و مانند آن ها ..
(۲) شدت سرگرمی به امور دنیوی و خدا فراموشی: سرگرمی بسیاری از انسان ها به امور دنیوی ← خدا فراموشی + جایگاه نداشتن خداوند در قلب آن ها. فزونی زینت دنیا و لذات شهوانی در دلشان ← باقی نماندن جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار : بت و معبود شدن هوی و هوس و آن چه و آن کس که آنان را به هوس هایشان می رساند + پرستش آن ها هم چون خدا + بهره گیری از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، و سایر رسانه ها در این راه + غفلت یکسره از خدا و آخرت.

درس چهارم : فقط برای تو

+ ابزار دستیابی به قرب الهی : سعی و تلاش خود انسان

هدف خلقت انسان: تقرب به خدا

بندگی هوای نفس و شیطان ←



→ بندگی خدا

زندگی، صحنه‌ی انتخاب یکی از این دو راه: گزینش راه توحید + قرار دادن اندیشه و دل و عمل خویش برای رضای حضرت دوست ← تهدید با خطرات + احتمال انحراف از توحید

+ روایت نبوی: راهیابی شرک به دل انسان از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان‌تر است.

+ پاسبانی از حریم اندیشه و دل ← راه نیافتن آفت شرک به آن‌ها + انجام عمل خالص برای خدا

+ بیت: پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه‌ی او نگذارم

بازتاب توحید در زندگی

اخلاص در لغت : خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن + اخلاص در کاربرد دینی: انجام عمل فقط برای رضای خداوند + مطابق دستور او اخلاص
 اخلاص: شرط قبولی تمامی اعمال عرضه داشته شده به درگاه خداوند ، در اسلام
 + روایت نبوی: مؤمنان با توجه به مراتب اخلاصشان، بر یکدیگر برتری پیدا می‌کنند .

اجزاء عمل: (۱) نیت = هدف ، قصد : به منزله روح عمل + (۲) شکل و ظاهر عمل: در حکم بدن و کالبد آن روح

حدیث نبوی: نِبَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ: نیت مؤمن از عمل او برتر است.

+ اِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ: همانا اعمال انسان وابسته به نیت‌های اوست.

+ روایت علوی: «فاعل الخیر خیرٌ منه و فاعل الشر شرٌّ منه: انجام‌دهنده‌ی کار نیک، از آن کار بهتر است و انجام‌دهنده‌ی کار شر، از آن شر بدتر است.»

حسن فاعلی	کوشش انسان مؤمن برای خالص کردن نیت + انجام دادن عمل به‌خاطر خدا = انجام دهنده‌ی کار دارای نیت الهی باشد .
حسن فعلی	تلاش انسان مومن برای انجام عمل به همان صورت که خداوند دستور داده است : انجام عمل از جهت کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه، همان‌طوری مطابق خواست خداوند = کار به درستی و به همان صورت که خدا فرمان داده است انجام شود. مثال: اگر خداوند امر فرموده که نماز صبح در دو رکعت و با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود، انسان مؤمن نیز تلاش می‌کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح و درست انجام داده باشد.

راه‌های تقویت اخلاص

[معرفت به خداوند ← ایمان به او ← اخلاص] ← تفکر در آیات و نشانه‌های الهی ← دریافت بیشتر:
 + آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
 غفلت + بستن چشم اندیشه به روی جهان ← نیافتن آیات الهی + ندادن دل به مهر او
 + مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان
 هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا، چه سود
 ارزشمندتر و مقدس‌تر بودن عمل بر اساس معرفت و آگاهی از عمل بی‌معرفت یا کم معرفت .
 مثال: انجام نماز با معرفت اسیب‌ارزشمندتر نزد خداوند از نماز بدون معرفت و آگاهی

افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند

نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او ← کم کردن غفلت از خداوند + تقویت محبت او در قلب + بهره‌مندی انسان از کمک‌های الهی.

راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او

گناه ← سوزاندن ریشه‌ی درخت اخلاص و بندگی + از بین بردن تدریجی آن
 ← امیرالمؤمنین علی (ع): «تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»
 ترک گناه + توجه به واجبات و اطاعت از خداوند ← آبیاری کردن و رشد دادن درخت اخلاص
 تأثیر خاص روزه در تقویت اخلاص در میان اعمال واجب. + حدیث علوی : خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.

دوری از گناهان و تلاش برای انجام واجبات

میوه‌های درخت اخلاص

دستیابی به درجاتی از حکمت	<p>حکمت : علم محکم و استوار + به دور از خطا ← نشان‌دهنده هدف درست و راه رسیدن به آن + ممانعت از لغزش‌ها و تباهی‌ها. رسیدن انسان حکیم، به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی ← توانایی تشخیص حق از باطل در شرایط سخت و پیچیده + گرفتار باطل نشدن + توصیف لقمان به داشتن حکمت در قرآن کریم + حدیث نبوی: «هرکس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد ← چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.»</p>
نفوذناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان	<p>پیش‌روی انسان در اخلاص ← فریب وسوسه‌های شیطان را نخوردن ؛ + اقرار شیطان: ناتوانی در فریب مؤمنان با اخلاص. + بیت: برو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه + وصف حضرت یوسف(ع) در قرآن کریم: داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلصین. + آیات: «قَالَتُ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودَتْهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُصْغَبَنَّ وَ لَيَكُونُنَّ مِنَ الصَّاغِرِينَ ، قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ : (همسر عزیز مصر) گفت این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید. (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد، و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد! (یوسف) گفت پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه این‌ها مرا به سوی آن می‌خوانند و اگر مکر و نیرنگ آن‌ها را از من بازگردانی قلب من به آن‌ها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود.» + دام شیطان برای یوسف: درخواست نامشروع زلیخا برای ابتلا به گناه + چگونگی نجات از این دام: توجه و درخواست حضرت یوسف از خداوند و پناه بردن به سوی او، باعث نجات وی شد. دام‌های شیطان امروزه برای تحریک هوس زودگذر انسان‌ها + کشاندن به گناه + محروم ساختن آنان از بهشت جاویدان : فیلم‌ها، وبگاه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای گمراه‌کننده، شبکه‌های مجازی ناسالم و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی . + لوازم مقاومت در برابر آن‌ها: روی آوردن به پیشگاه خداوند + پذیرش خالصانه‌ی فرمان‌های او . + عاقبت گرفتاری در دام‌های شیطان : از دست دادن زندگی پاک و بانشاط دنیا + حیات سرشار از شادکامی آخرت.</p>
دریافت پادشاهی وصف ناشدنی	<p>بندگی خالصانه‌ی خداوند ← پادشاهی که در ذهن ما نمی‌گنجد + فراتر از تصور و تخیل ما: دیدار محبوب حقیقی + تقرب به پیشگاه خدا (وصف امام علی(ع) از خدا: نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان) نظر به زندگی زیبای رسول خدا(ص)، امیرالمؤمنین علی (ع)، فاطمه زهرا (س) و دیگر پیشوایان خود ← به‌دست آوردن همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب از راه بندگی خالصانه‌ی خدا.</p>

درس پنجم: قدرت پرواز

اختیار: توانایی بر انجام یا ترک یک کار است. + هر انسانی آن را در خود درمی‌یابد + می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است ← اختیار: حقیقتی وجدانی (انکارناپذیر، بدیهی، بی‌نیاز از استدلال)

+ آیه: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا**: ما راه را به انسان نشان دادیم یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس. [اختیار انسان در انتخاب راه هدایت یا گمراهی + خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد.]

+ آیه: **قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَعْمَىٰ فَلِنَفْسِهِ**: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد، پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کور دل گردد به زیان خود اوست ... [نزول رهنمودهای الهی بر «انسان» و «اختیار او» در قبول یا ردّ این رهنمودها]

+ آیه: **ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ**: این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست [و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند. [پاداش و کیفر الهی، بر طبق عدالت و بر اساس اعمال آزادانه و آگاهانه خود انسان است.]

انکارکننده اختیار در سخن یا بحث، بهره برداری و اثبات آن در عمل.

+ ابیات مولوی: آن یکی می‌رفت بالای درخت می‌فشاند آن میوه را دزدانه سخت
گفت: توبه کردم از جبر ای عیار اختیار است، اختیار است، اختیار

نقش نداشتن انسان در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون + قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل‌ها و ... به‌صورت طبیعی ← اختیاری نبودن بسیاری از امور + محدودیت اختیار انسان.

اهمیت اختیار محدود انسان: مبنای تصمیم‌گیری‌ها + تعیین‌کننده‌ی سرنوشت انسان.

شواهد وجود اختیار

این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم	مراحل تصمیم‌های انسان: ابتدا اندیشه + سنجش جوانب آن + عمل + گاهی تردید برای انتخاب یک راه از میان چند راه و چند کار + گزینش یکی پس از بررسی‌های لازم و عمل.	۱- تفکر و تصمیم
گر نبودی اختیار این شرم چیست این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟ وان پیشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی	موفقیت در کار + احساس رضایت و خرسندی در وجود انسان ← دانستن آن کار از خود + نتیجه‌ی اراده و تصمیم عاقلانه‌ی خود. ارتکاب به اشتباه در کاری + زیان‌رسانی به خود یا دیگری + احساس پیشیمانی + بیان ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم ← داشتن توانایی ترک آن کار.	۲- احساس رضایت یا پیشیمانی
هیچ گویی سنگ را فردا بیا ور نیایی من دهم بد را سزا؟ هیچ عاقل مرکلخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟	خود را مسئول کارهای خود دانستن ← پذیرش آثار و عواقب عمل خود + جبران زیان‌رسانی به دیگران = اساس عهدها و پیمان‌ها ← پیمان‌شکنی + عدم انجام مسئولیت ← خود را مستحق مجازات دانستن.	۳- مسئولیت‌پذیری

+ آیه: **ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ**

قانونمندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

خواسته خداوند در قبال اعطاء قدرت اختیار از انسان: ۱- برنامه‌ریزی برای زندگی خود ۲- رسیدن به قله‌های کمال ۳- پیش‌روی تا آن‌جا که جز خداوند، عظمت آن را نمی‌داند.

* ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می‌کند + قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده + جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می‌کند و به پیش می‌رود = زندگی در جهانی با حاکمیت قدر و قضای الهی ب (قانونمند است) ← آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

قضا و قدر الهی

قدر: اندازه + تقدیر: اندازه گرفتن + مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، مقدر به تقدیر الهی اند + نقشه‌ی جهان با همه‌ی موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست

قضا: به انجام رساندن + پایان دادن + حکم کردن + حتمیت بخشیدن + مخلوقات جهان، از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده‌ی الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند + اجرا و پیاده کردن نقشه‌ی جهان با همه‌ی موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش به اراده‌ی خداست.

← نه در نقشه‌ی جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

+ اعتماد به تقدیر و قضای الهی ← نوشیدن آب برای رفع تشنگی = می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.

اصلاح یک پندار

پندار نادرست: قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است + تقدیر، چیزی غیر از قانون‌مندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می‌زند.

برداشت درست: هر چیزی مهندسی و قاعده‌ی خاص خود را دارد و تمام جهان بر آن قواعد بنا شده است + این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

+ بدون پذیرش قدر و قضای الهی: الف- هیچ نظمی برقرار نمی‌شود + ب- هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

مثال داستان نشستن امیرمومنان (ع) زیر دیوار کج: ارائه نگرش صحیح امیرالمؤمنین (ع) از قضا و قدر با رفتار و سپس گفتار خود:

-یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟ امام علی (ع): «نه، بلکه از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» = از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.

اعتقاد به قضا و قدر: مانع تحرک و عمل انسان نیست + عامل و زمینه‌ساز آن است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده‌ی الهی و خواست خداست = خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد + در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده‌ی کاری را نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد + در عین حال، وجود ما، اراده‌ی ما و عملی که از ما سرمی‌زند، همگی وابسته به اراده‌ی خداوند است = اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست + با آن منافات ندارد.

علت‌های موثر در پیدایش یک پدیده

۱- علل عرضی	مشارکت چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یک‌دیگر در پیدایش هر پدیده + اعمال اثر خاصی هر یک از عوامل و عناصر، مستقل از دیگری برای حصول نتیجه + نقش خاصی مستقیم هر عامل متفاوت با نقش دیگری + ناتوانی هر عامل به تنهایی در به سرانجام رساندن امر مورد نظر خود + مستقل بودن + پیوستگی + مثال: رشد یک گیاه
۲- علل طولی	پیدایش یک پدیده با اثرگذاری یک عامل در عامل دوم ← تأثیر در عامل سوم ← انتقال اثر عامل اول به معلول + نسبت دادن کار (معلول) به هر یک از عوامل + دریافت علت بودن یک عامل از عامل بالاتر + استقلال نبودن + وابستگی + مثال: نوشتن

درس ششم: سنت‌های خداوند در زندگی

قانون‌مندی حاکم بر جهان خلقت: ۱- تجلی تقدیر الهی + ۲- زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان + ۳- به‌کارگیری اراده و اختیار انسان
 تقدیر الهی ← قانون‌مندی جهان خلقت + حرکت تکاملی پدیده‌های آن در دایره‌ی قوانین خاص.
 قوانین الهی = سنت‌های الهی: ۱- قوانین جهان خلقت + ۲- قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها

شناخت قوانین جهان خلقت از طریق علوم فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ...	آشنایی ما با نشانه‌های الهی + بهره‌مندی از طبیعت
شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها	نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌ها و همه‌ی حوادث زندگی + ممتاز ساختن دیدگاه ما نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران + تأثیر به‌سزا در روابط ما با خدا، خود، دیگران و خلقت.

سنت‌های الهی

(۱) سنت ابتلاء:

ابتلاء = امتحان = قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد + درستی یا نادرستی آن‌چه را ادعا کرده مشخص سازد.
 + عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند + ثابت و همیشگی + شامل همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی دوران‌ها = زندگی هر انسانی، چه مؤمن و چه کافر، چه فقیر و چه غنی، صحنه‌ی انواع امتحان‌ها و آزمایش‌هاست + هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلائات ساخته می‌شود + شناخته می‌گردد.
 ← کوچک‌ترین حادثه پیرامون ما: امتحانی برای ما ← روشن شدن تصمیم ما + چگونگی عمل ما: عمل درست ← رشد و کمال + عمل غلط ← عقب‌ماندگی و خسران + آیه: كُلْ نَفْسٍ ذَاتِ نَفْسٍ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُم بِالْبَشْرِ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اَلَيْنَا تُرْجَعُونَ: هرکسی طعم مرگ را می‌چشد و قطعاً شما را با شر و خیر می‌آزماییم و به‌سوی ما بازگردانده می‌شوید. [هر انسانی در زندگی خود همواره به وسیله‌ی امور خیر یا با امور شر در معرض آزمایش و امتحان است].
 + آیه: اَحْسِبِ النَّاسَ اَنْ يُّتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ: آیا مردم گمان کردند رها می‌شوند؛ همین که بگویند ایمان آوردیم، و آزمایش نمی‌شوند؟ [هرکس ادعای ایمان کند، در معرض امتحان قرار می‌گیرد].

تفاوت امتحان الهی و امتحان بشری:

امتحان بشری: ما غالباً از حقیقت درون افراد بی‌خبر هستیم + می‌کوشیم تا از طریق امتحان کردن به آگاهی لازم برسیم.
 امتحان خداوند علیم: برای آگاه شدن از درون افراد نیست + برای رشد دادن و به‌ظهور رساندن استعدادها + نشان دادن تمایلات درونی افراد.

مراتب امتحان الهی: موفقیت در هر مرحله‌ای از امتحان الهی یا ابتلاء ← ورود فرد به مرحله‌ای برتر + روبه‌رویی با امتحان‌های جدیدتر.
 اعلام ایمان به خداوند و بندگی او ← ورود به امتحان‌های خاص: میزان سربلندی در آزمون‌های اولیه ← قدم‌گذاری در آزمون‌های بعد + آماده شدن برای کسب کمالات برتر + حدیث امام صادق (ع): اَمَّا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةٍ كَفَّهَ الْمِيزَانَ كَلَّمَا زَيْدٌ فِي اِيْمَانِهِ زَيْدٌ فِي بَلَاءِهِ: به راستی که مؤمن به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست. هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز افزوده می‌شود [ایمان بیشتر ← امتحان سنگین‌تر]
 مواد امتحان الهی: بیماری یا سلامت، فقر یا ثروت، از دست دادن پدر و مادر یا داشتن پدر و مادر، بارش باران یا وقوع خشکسالی و به‌طور کلی هر حادثه‌ی شیرین یا تلخ. مواجهه‌ی ما با آن‌ها ← رقم زدن پیروزی یا شکست ما را رقم می‌زند + مهیای امتحانی دیگر ساختن.

(۲) سنت امداد عام الهی:

مواجهه مردم با دعوت انبیاء الهی

(۱) پاسخ + (= پذیرش هدایت) → (۲) پاسخ - (= لجاجت و ایستادگی در برابر حق)
 سنت و قانون خداوند: توانایی استفاده هر دو گروه از امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری، امکانات موجود در جهان خلقت و ...) ← پیش‌روی در همان مسیر انتخابی خود + باطن آشکاری.
 (۱) گزینش راه حق ← یافتن لوازم و امکانات رسیدن به حق ← پیمایش مراتب کمال.
 (۲) انتخاب دنیا و تلاش فقط برای آن ← به‌دست آوردن آن + مشاهده عواقب زیان‌بار تصمیم غلط خود در آخرت ← نشانه‌ی لطف خداوند نبودن روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیوی به برخی انسان‌های گناه‌کار.
 + آیه: کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هرچه در دنیا کرده‌اند بر باد رفته و آن‌چه را که انجام می‌دهند، باطل است.
 + کَلَّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است. [رحمت و اسعه‌ی الهی به همه‌ی افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، مدد می‌رساند].

(۳) سنت امداد خاص الهی (توفیق):

= آسان نمودن = سعی و تلاش انسان ← فراهم ساختن شرایط و اسباب از سوی خداوند برای آسان‌تر رسیدن وی به مقصد + شامل حال: کسانی می‌شود که با نیت پاک، قدم در راه حق می‌گذارند + سعادت اخروی و رضایت پروردگار را هدف خود قرار می‌دهند.
 جلوه‌های توفیق الهی: تلاش و مجاهدت انسان ← نصرت و هدایت الهی = حمایت خداوند از انسان تلاشگر و مجاهد + دستگیری از او + به پیش بردن با پشتیبانی خود.
 + نقش تعیین‌کننده عوامل درونی، مانند داشتن روحیه‌ی حق‌پذیری در کسب توفیق الهی:
 + مثال: شنیدن هم‌زمان آیات قرآن از رسول اکرم (ص) توسط دو نفر ← یکی: پذیرش و تقویت ایمان + دومی: افزایش لجاجت و کفر.
 + شنیدن هم‌زمان صدای مؤذن از مسجد توسط دو نفر ← یکی: رفتن به مسجد برای نماز اول وقت + دیگری: بدون توجه گذشتن از کنار مسجد.
 + آیه: وَ الَّذِيْنَ جَاهَدُوا فَاِنَّا لَنُهْدِيْهِمْ سُبُلَنَا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ: و کسانی که در راه ما جهاد [تلاش] کنند، حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم، در حقیقت خداوند با نیکوکاران است. [خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به‌طور خاص امداد (هدایت) می‌کند].

۴) سنت سبقت رحمت بر غضب :

محبت خداوند به بندگان ← لطف و مهربانی با همه‌ی آنان چه نیکوکار و چه گناهکار .
سخت‌گیری خدا از دریچه‌ی لطف و رحمت [مانند سخت‌گیری مادر بر فرزندش و یا در مواردی تنبیه ← باز داشتن او را از اشتباه + به هیچ‌وجه قصد انتقام‌گیری از فرزند خود را نداشتن] ← باز بودن همیشه راه بازگشت گناهکار به خدا .

مصادیق سبقت رحمت بر غضب:

الف- آموزش گناهان با توبه، آموزش برخی گناهان با انجام کار نیک، حفظ آبروی بندگان گناهکار، پذیرش عبادت اندک و رضایت سریع از کسی که طلب آموزش کرده،
ب- روایت: وقتی انسان کار نیکی انجام می‌دهد، خداوند به فرشته‌اش دستور می‌دهد که فوراً آن را ثبت نماید اما وقتی گناهی مرتکب می‌شود، به فرشته‌ی خود دستور می‌دهد صبر کند تا بنده‌اش توبه کند و جبران نماید و در صورتی که بنده توبه نکرد، آن گناه را ثبت نماید.

ج- خداوند عمل نیک را چند برابر پاداش و کار بد را فقط به اندازه‌ی خودش جزا می‌دهد :

+ آیه: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ: کسی که کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] می‌گیرد و هر کسی که کار بدی بیاورد، جز به اندازه‌ی آن کیفر نشود و بر آنان ستم نرود. [خداوند پاداش کار نیک را چند برابر و کیفر کار بد را به اندازه‌ی خودش می‌دهد و این نشانه‌ی سبقت رحمت بر غضب الهی است.]

۵) سنت املاء و استدراج:

فراهم نمودن شرایط توبه برای انسانی که به دام گناه افتاده توسط خداوند ← توانایی توبه + دوری از گناه + گذشتن مداوم خدا از گناه در صورت توبه .
فرصت‌دهی خداوند + افزایش امکانات و نعمت‌های گناه‌کاران و باطل‌پیشگانی که : الف- از کار خود خرسند باشند. + ب- با حق دشمنی و لجاجت ورزند .
فرصت و نعمت‌ها توسط گناه‌کاران : وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در گناهان ← بر باد رفتن تدریجی اندک امید تابش نور حق در دل آن‌ها + گرفتاری به شقاوت ابدی .
+ مهلت‌ها و نعمت‌ها، با اختیار و اراده‌ی خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده ← سنگین و سنگین‌تر شدن هر روزه بار گناهان آنان + نزدیک‌تر شدن تدریجی به سوی هلاکت ابدی .
+ سنت حاکم بر زندگی معاندان و غرق‌شدگان در گناه

عمل خود انسان‌ها ← استقرار در دایره‌ی سنت املاء و استدراج ← کوشش برای قرار نگرفتن در دایره‌ی این سنت‌ها + گرفتار نشدن به هلاکت ابدی .

+ حدیث امام صادق (ع) : هنگامی که خداوند خیر بنده‌اش را بخواهد، اگر بنده گناهی مرتکب شود او را گوشمالی می‌دهد تا به یاد توبه بیفتد و هنگامی که شر بنده‌اش [بنده‌ای که غرق گناه شده است] را بخواهد، بعد از انجام گناه نعمتی به او می‌بخشد تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد. این همان است که خداوند فرموده:
سنستدرجهم من حیث لا یعلمون.

+ حدیث علوی: چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند و پرده‌پوشی خدا او را مغرور سازد و با ستایش مردم فریفته و شیفته‌ی خود گردد و خدا هیچ‌کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.

+ آیه: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ: و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد، از آن راه که نمی‌دانند و به آن‌ها مهلت می‌دهم همانا تدبیر من استوار است. [برخی گناهکاران به دست خویش خود را در معرض هلاکت قرار می‌دهند و به تدریج گرفتار عذاب می‌شوند.] + وفور نعمت در حال بی‌اعتقادی به خداوند و بی‌توجهی دستورات او نشانه‌ی سنت استدراج است.

۶) سنت تاثیر اعمال انسان در زندگی او:

رفتارهای گذشته خوب و بد انسان ← تأثیرگذاری در موارد بسیاری بر آینده‌ی زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد .

+ حدیث امام صادق (ع): مَنْ يَمُوتُ بِالذَّنْبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَمَنْ يَعْيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعْيشُ بِالْأَعْمَارِ: کسانی که به واسطه‌ی گناه می‌میرند از کسانی که به واسطه‌ی سرآمد عمرشان می‌میرند، بیش‌ترند. و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند، از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیش‌ترند.

+ صله‌ی رحم ، محبت به خویشان و دادن صدقه ← افزایش عمر را می‌دهد. + قطع رحم و بی‌محبتی به خویشان ← کاهش عمر

+ احسان به والدین، امانت‌داری، لقمه‌ی حلال، آب دادن به درخت تشنه یا سیراب کردن حیوانات و نیز برطرف کردن اندوه و غصه‌ی دیگران ← بهبود زندگی.

+ ظلم به دیگران و افزایش گناه (فردی و اجتماعی) ← آثار زیان‌باری از جمله نزول بلا + عدم استجاب دعا

+ آیه: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به [کیفر] آن‌چه مرتکب می‌شدند.

[مطابق با قانون الهی، آینده‌ی انسان براساس رفتارهای خوب یا بد او رقم می‌خورد. + تقوا و ایمان واقعی به خداوند ← نزول برکات الهی]

درس هفتم: بازگشت

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال و کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی: اندیشه و تفکر گام بعد: انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف.

مواجهه انسان با دشواری‌های مسیر حرکت تکاملی: توجه به اینکه خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است:

+ آیه: فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَبِهِدْيِهِمْ إِيَّاهُ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا: و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند. + [هدایت انسان در گرو ایمان به خدا و تمسک به او] خطاب خدای متعال به حضرت داوود (ع) (حدیث قدسی): ای داوود! اگر روی گردانان از من می‌دانستند که چگونه انتظار آن‌ها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست. [علم معرضان از خدا به اشتیاق خدا برای بازگشت آنان ← جان دادن از شوق بازگشت به سوی خدا + گسستن بندبند وجودشان از محبت او]

تصمیم‌های جدید: ۱- تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه‌ی راه + ۲- بازگشت از مسیری که چندی به غلط پیموده شده و آثار زبان‌باری برجای گذاشته: توبه

عبد یا آزاد؟

شنیدن جملات امام کاظم(ع) از زبان خدمتکار خانه: ← در اندیشه فرو رفتن صاحب‌خانه اشراف‌زاده عیاش (بشرین حارث)

شنیدن جمله‌ی «اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت» ← نشستن چون تیری بر قلب بشر + تکان او (= انقلاب درونی) ← توبه در حضور امام کاظم(ع) + وفاداری به پیمان خویش در طول عمر ← استقرار در سبک مردان پرهیزگار و خداپرست = انقلاب علیه خود: ایستادگی انسان در برابر موانع بیرونی و درونی = توانایی قیام و انقلاب علیه تمایلات ناپسند خود با پیروی از عقل. انقلاب خود عالی(با پیروی از عقل و نفس لوامه) علیه خود دانی: مقبول و ممدوح = قیام علیه تمایلات ناپسند خود انقلاب خود دانی(پیروی از نفس) علیه خود عالی: مردود و مذموم ← تن به تمایلات ناپسند دادن + آلودگی به گناه

حقیقت توبه

توبه: بازگشت

+ بازگشت از گناه به سوی خداوند + قرار گرفتن در دامن عفو و غفران او(با پشیمانی انسان از گناه + قصد انجام ندادن آن): توبه عبد ← بازگشت خداوند به سوی او + گشودن درهای رحمت به رویش + بازگرداندن آرامش به قلبش: توبه‌ی معبود احساس پشیمانی در دل بعد از انجام گناه + داشتن زبان حال: «چقدر بد شد! کاش این کار را نمی‌کردم، چرا به فرمان خدا بی‌توجه بودم؟» = گفتن استغفرالله در دل = انجام توبه + بخشش گناه + گفتن استغفرالله با زبان(زبان فال) + پشیمان نشدن در قلب = توبه نکردن + حدیث امام باقر(ع): برای توبه کردن پشیمانی کافی است.

توبه و پاکی

پیرایش یا تخلیه: گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. رسول خدا (ص): التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ: کسی که از گناه توبه کرده مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است. امیرمؤمنان (ع): التَّوْبَةُ تَطَهَّرُ الْقُلُوبَ وَ تَغْسِلُ الذَّنُوبَ: توبه دل‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید.

۵ نکته توبه

+ آیه: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ: بگو ای بندگان من که زیاده به خود ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی ناامید نباشید [علت]، خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد، چرا که او آمرزنده‌ی مهربان است.	آمرزش همه‌ی گناهان حتی شرک با توبه
+ آیه: کسی که باز گردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.	۲- توبه + ایمان + عمل صالح ← تبدیل گناهان به حسنات
خداوند توبه‌ی جوانان را بسیار دوست دارد + روایت نبوی: کسی نزد من محبوب‌تر از جوان توبه‌کار نیست.	آسان‌تر بودن توبه در جوانی
میسر نبودن توفیق توبه: لزوم شکار لحظه‌های توفیق + انداختن خود در دامن مهر خداوند.	۴- باز بودن دائمی در توبه
+ آیه: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ: خداوند کسانی را که زیاد توبه می‌کنند، دوست دارد و پاکیزگان را دوست دارد. + خداوند کسی را که فوراً از گناه خود ناراحت می‌شود + بسیار توبه می‌کند را دوست دارد: زیرا می‌بیند چنین فردی، با این که در دام گناه افتاده، اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می‌شود.	۵- تکرار توبه واقعی ← دور شدن از خداوند نیست + موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند + جلب رحمت او

حیله‌های شیطان

<p>کشاندن به سوی گناه توسط شیطان ابتدا با وعده «گناه کن و بعد توبه کن!» ← آلوده شدن فرد ← مأیوس ساختن از رحمت الهی + بیان «آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب.» ← انسان با خود می‌گوید که کار از کار گذشته و پرونده‌ی عملم نزد خداوند آن قدر سیاه است که دیگر توبه‌ام پذیرفته نیست. در حالی که آدمی، هر قدر هم که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند و نادم و پشیمان شود حتماً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد.</p> <p>+ ابیات: بازاً بازاً هرآنچه هستی بازاً این درگه ما درگه نومیدی نیست</p> <p>گر کافر و گبر و بت پرستی بازاً صدبار اگر توبه شکستی بازاً</p>	<p>۱- ناامیدکردن از رحمت الهی</p>
<p>تسویف از سَوف = امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن. فرد گنه‌کار دائماً به خود می‌گوید «به زودی توبه می‌کنم» + این گفته را آن قدر تکرار می‌کند ← خاموشی میل به توبه + بیش‌تر برای گمراه کردن جوانان + به او می‌گوید: تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می‌توانی توبه کنی ← عادت جوان به گناه + امکان سخت شدن ترک گناه</p>	<p>۲- به تأخیر انداختن توبه (تسویف)</p>
<p>گام به گام و آهسته به سمت گناه کشاندن ← متوجه زشتی گناه و قبح آن نشدن در این فرایند تدریجی + اقدام نکردن به توبه مثال: شیوه شیطان برای کشاندن به رابطه‌ی نامشروع با جنس مخالف: گام اول: سخن از یک دوستی ساده فقط در حد صحبت و درد دل + گام‌های بعدی و به صورت تدریجی تا غرق شدن در فساد و آلودگی</p>	<p>۳- گام به گام کشاندن به سوی گناه</p>

مراحل تکمیلی توبه

<p>۱) تلاش در جهت دور شدن از گناه: انجام دوباره گناه = شکستن توبه و نیاز به توبه مجدد ← تلاش توبه کننده برای نرفتن به سراغ گناهی که از آن پشیمان شده توبه کننده حقیقی: سعی در دوری از گناه در عمل علیرغم امکان علاقه به آن گناه = دوری از افراد، مکان‌ها و موقعیت‌های زمینه‌ساز شکل‌گیری گناه</p>
<p>۲) جبران حقوق الهی و حقوق مردم: تلاش توبه‌کننده در جهت جبران حقوق ضایع شده با گناه خود</p>
<p>الف- حقوق خداوند حق الله = مهم‌ترین حق خداوند: حق اطاعت و بندگی او + بکوشد توبه‌کننده جهت جبران کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند مثال: قضای تدریجی نمازها یا روزه‌های از دست داده + به‌جا آوردن عبادت‌های ترک شده.</p>
<p>مهربانی خداوند نسبت به بندگان ← جبران بقیه‌ی گناهان از سوی خود خداوند + عفو توبه‌کار در صورت مشاهده ناتوانی در جبران همه‌ی گناهان علیرغم تلاش او</p>
<p>ب- حقوق مردم حق الناس: ۱) کوشش توبه‌کننده جهت جبران ستم بر مردم + اداء حقوق مادی یا معنوی آن‌ها در حد توان + به‌دست آورد رضایت صاحبان حق ۲) در صورت عدم دسترسی به صاحبان حق: صدقه به نیابت آنان + و دعای خیر و طلب آموزش برای آنان. حقوق معنوی بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است.</p>
<p>مصادیق حقوق معنوی ضایع شده: ریختن آبروی انسانی با دروغ، غیبت و تهمت آبروی + شکسته شدن قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزند + گسترش فساد و تباهی در جامعه با توزیع کتاب یا راه انداختن یک شبکه اجتماعی گمراه‌کننده در فضای مجازی + ایجاد بدبینی دیگران به دین با رفتار ناپسند = تضییع حقوق معنوی افراد ← لزوم جبران حقوق از دست رفته توسط توبه‌کننده با تمام وجود</p>

توبه‌ی اجتماعی

<p>خروج جامعه در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند ← نیازمندی به بازگشت به مسیر توحید و اصلاح = توبه‌ی اجتماعی اصلاح انحراف‌های اولیه اجتماعی (مانند: رباخواری، رشوه گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا) در مراحل ابتدایی خود ← عدم گسترش و ماندگاری.</p>
<p>+ مهم‌ترین راه اصلاح و معالجه‌ی جامعه از این بیماری‌ها: انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر. + کوتاهی مردم در انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ← تقویت و استحکام گناهان اجتماعی + نفوذ در تمام سطوح جامعه + حساسیت مردم + ایستادگی در برابر گناهان اجتماعی + کوشش در جهت بازگرداندن جامعه به وضع صلاح و درستی ← سهولت توانایی در ممانعت از گسترش گناهان + کوتاهی مردم + به جایی نرسیدن اقدامات دلسوزان جامعه + ریشه‌دواندن تدریجی انحراف از حق ← صعوبت اصلاح + نیازمندی به تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های اساسی و زیربنایی در حد نیاز به تقدیم جان و مال انسان‌های بزرگ برای رهایی جامعه از تباهی مطلق + ممانعت از خاموشی کامل نور هدایت.</p>

تا چه زمانی برای توبه مهلت داریم؟

<p>ظرف زمان توبه: سراسر عمر + بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای که: امکان توبه بیش‌تر + انجام آن آسان‌تر + جبران گذشته راحت‌تر. + دوره‌ی جوانی: دوره‌ی انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی + دوره‌ی پیری: دوره‌ی کم شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها پدید آمدن و ماندگاری خصلت‌ها در دوره‌ی جوانی: بسیار سخت و طاقت‌فرسا بودن خارج کردن آن‌ها در پیری صفات ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه ریشه‌های نهالی هستند که در ابتدا نفوذ کمی در خاک دارد اما هر قدر زمان می‌گذرد، آن نفوذ بیش‌تر می‌شود و قوی‌تر</p>

درس هشتم: حکام الهی در زندگی امروز

تزکیه‌ی نفس: رمز رستگاری و سعادت انسان از نگاه قرآن + زمان: پاک شدن نفس ما از آلودگی + آغاز: توبه‌ی از گناهان + تداوم: عمل به دستوراتی خداوند مانند دستورات اخلاقی، عبادی و ...
+ آیه: [و نفس و ماسواها، فالهمها فجورها و تقواها] قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا: به یقین هر کس خود را تزکیه کرد، رستگار شد

بگانه راه اطمینان

احکام و قوانین دین اسلام: تضمین زندگی سالم در دنیا + تأمین سعادت و نیک بختی اخروی و ابدی ← قابل مقایسه نبودن با قوانین بشری که اهداف محدود و کوچکی دارند.
+ مثال: چرا خداوند برای فلان گناه چنین مجازاتی قرار داده است؛ خداوند می‌داند آن گناه مانعی بزرگ بر سر راه سعادت و نعمت‌های ابدی است.
+ هیچ‌کس نمی‌داند چه پاداش‌هایی که مایه‌ی روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده؛ این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند.
+ خداوند به پیامبر (ص) [حدیث قدسی]: برای بندگان نیکوکارم چیزهایی ذخیره کرده‌ام که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به ذهن کسی خطور کرده است.
← زندگی دینی تنها شیوه‌ی مطمئن و قابل اعتماد: پیش روی هر انسان خردمند و عاقبت‌اندیش.

هرکس که نگران عاقبت کار خود است، به روشنی در می‌یابد که تکیه بر خداوند و اعتماد به دستورات او ← از بین برنده هرگونه نگرانی نسبت به آینده
عدم اعتماد و تکیه به دستورات خداوند ← در انتظار او بودن آینده‌ای غیرقابل اعتماد.

+ هشدار خداوند: أَقْمَنَ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِه فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ: آیا آن‌کس که بنیاد [کار] خود را بر پایه‌ی تقوای الهی و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لبه‌ی پرتگاهی در حال سقوط ساخته و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

(۱) بنای زندگی محکم و استوار: بر پایه‌ی تقوا و خشنودی خداوند (دین و دستورات الهی)

۲- بنای زندگی بر لبه‌ی پرتگاه: هوی و هوس و مکاتب دنیوی را مینا و معیار زندگی خود قرار دادن ← سرانجامی تاریک

۳- بنای زندگی بر لبه‌ی پرتگاه = رقم زدن عقوبتی دردناک + آخرت، تباه شده برای خود با انتخاب مسیری نادرست = ظلم به خود و زندگی و زندگی خود.

نکات احکام الهی

(۱) ارتباط و هماهنگی میان سعادت انسان در جهان آخرت و بایدها و نبایدهای دین (احکام):

رسیدن به سعادت اخروی: مطالبه یک زندگی جدی + یک عزم قوی و استوار + با یک زندگی غیر مسئولانه و بدون برنامه سازگار نیست. مانند رشد بدن فقط با تغذیه‌ی صحیح

(۲) حکمت احکام الهی: دلایل خاص هر دستور خداوند.

دریافت حکمت احکام به کمک علوم مختلف: تلاش خوب و ارزشمند + بسیار ناچیز در برابر علم بی‌نهایت الهی (وضع‌کننده‌ی احکام) ← دوری از پندار نادرست دستیابی به همه حکمت‌های یک حکم با پی بردن به فهم یکی از حکمت‌های یک دستور الهی + این فهم را مبنای تصمیم‌گیری قرار دادن.

(۳) نگاه خداوند به ضررهای یک عمل، نه دوست داشتن یا نداشتن مردم: خداوند نصیحتگر حقیقی مردم + خواهان سعادت آنان ← دادن هشدارهایی به منظور پیشگیری از خطرات ← شناسایی و دوری مردم، قبل از گرفتاری به آن خطرات. به منظور پیشگیری از خطرات، است تا مردم، قبل از گرفتار شدن، آن خطرات را بشناسند
انتقاد منفعت‌برندگان از گسترش خطرات: چرا در اسلام این‌قدر منع کردن و حرام کردن رایج است؟!

و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید

(۴) عدم پذیرش و حکم دادن مطابق خواسته‌های مخالف با سعادت جوامع بشری منحنی توسط اسلام:

الف- قمار و شراب:

رواج این دو عمل میان مردم عرب قبل از اسلام + مهارت آنان قماربازی + کسب سود بسیار + منفعت حاصل از فروش شراب + رونق اقتصاد.

شنیدن تحریم قمار و شراب توسط پیامبر(ص) ← سوال تازه‌مسلمانان در این باره از پیامبر(ص) ایشان ← نزول آیه علت حرمت قمار و شراب

+ آیه: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا: از تو درباره‌ی شراب و قمار می‌پرسند بگو در آن دو، گناهی بزرگ و منفعت‌هایی برای مردم است اما گناهشان بزرگ‌تر از منفعتشان است. ← پذیرش این کلام خدا توسط مسلمانان + صرف‌نظر از منفعت آن‌ها ← عدم ارتکاب به گناه.

رواج مجدد شراب و قمار در دربار با روی کار آمدن بنی‌امیه و بنی‌عباس ← ارتکاب برخی از مردم.

دلایل زشتی قمار: یک کار بیهوده + به‌کارگیری پول و ثروت مردم در مسیری که هیچ فایده‌ای برای جامعه ندارد + ایجاد کینه و دشمنی به‌وجود میان برنده و بازنده

ب- ارتباط جنسی خارج از چارچوب شرع: رایج شدن این ارتباط بازگشتی به دوران جاهلیت + تزلزل بنیان خانواده

کشورهای دارای این روابط ← از دست دادن خانواده استحکام خود + فراوانی فرزندان تک‌سرپرست

+ آیه وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجِيْنَ اِنَّهٗ كَانَ فَاْحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيْلًا: به زنا نزدیک نشوید قطعاً آن عملی بسیار زشت و راهی ناپسند است.

برخورد قرآن کریم در همان زمان نزول، که این عمل فراوان بود: در مقابل آن ایستاد + آن را گناه کبیره شمرد + راه‌های آسان و بدون گناه برای ارتباط جنسی پیشنهاد داد.

رعایت همواره این حکم ← هیچ‌گاه موقعیت خانواده متزلزل نشود + سلامت جسمی و روحی انسان‌ها به خطر نیفتد.

زندگی در شرایط ویژه

شکل نگرفتن فرهنگ و تمدن امروزی بر اساس دستورات الهی + تعارض بسیاری از عادت‌ها و رفتارها با دستورات دینی ← تا حدودی سختی رعایت قوانین الهی

ایمان به الهی بودن قوانین ← وارد عمل شدن با اعتماد به نفس بالا و توکل بر او ← فراهم نمودن زمینه برای آگاهی دیگران نسبت به اسلام + دفاع از اسلامان در صحنه‌ی

عمل و زندگی(همان‌طور که در سال‌های قبل از سرزمین و آیینمان با تمام وجود دفاع کردیم و موفق شدیم)

نحوه اجرای احکام اسلامی در عرصه‌های سه گانه فرهنگ و ارتباطات - ورزش و بازی - اقتصاد

فرهنگ، روح حاکم بر جامعه + نشان‌دهنده‌ی هویت و شخصیت آن. + نوع اجزا و عناصر فرهنگی هر جامعه نشان‌دهنده‌ی درجه و میزان ارزشمندی و تعالی آن جامعه معیارهای اصلی ارزشمندی فرهنگ جوامع: اعتقاد به خدا و یکتاپرستی (توحید) + ایمان و اعتقاد به پیامبران الهی (نبوت) + اعتقاد به معاد و پایبندی به آن (معاد) دیگر معیارهای فرهنگ برتر: توجه به عدالت + خردورزی + علم و دانش + عفاف و پاکدامنی + دوری از شهوت و غضب + پایبندی به احکام و دستورات الهی شیوه تنظیم احکام و قوانین اجتماعی اسلام: سبب رشد و تقویت این معیارها

جایز و حلال

فرهنگ و ارتباطات	۱- استفاده از موسیقی، خواه موسیقی سنتی و کلاسیک باشد و خواه غیرسنتی و مدرن
فرهنگ و ارتباطات	۲- شرکت در مجالس شادی، مانند جشن عروسی، جشن‌های مذهبی و ملی جایز است و حتی اگر موجب تقویت صلۀ رحم یا تبلیغ دین شود مستحب است؛ به شرط آن که در این مجالس، احکام دین مانند پوشش مناسب خانم‌ها رعایت شود.

واجب کفایی

فرهنگ و ارتباطات	۱- تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، لوح‌های فشرده، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور: گسترش فرهنگ و معارف اسلامی + مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی: از مصادیق مهم عمل صالح + از واجبات کفایی + دارای پاداش اخروی بزرگ
ورزش و بازی	۲- اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

مستحب

فرهنگ و ارتباطات	۱- ایجاد پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی به منظور اشاعه‌ی فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی
ورزش و بازی	۲- ورزش به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی مستحب و دارای پاداش اخروی پیش‌قدم شدن در برگزاری بازی‌ها و ورزش‌های دسته‌جمعی برای تقویت رابطه‌ی صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده: پاداش اخروی
اقتصاد	۳- ممکن است در محیط زندگی ما، مانند مدرسه، محله و محیط کار افرادی بی‌بضاعت زندگی کنند که زندگی تجملی دیگران غم و اندوه آنان را به دنبال داشته باشد ← بهتر است از مدگرایی و تجمل در پوشش و سایر ابعاد زندگی دوری کرده و ساده‌زیستی پیشه نماییم.

حرام

فرهنگ و ارتباطات	۱- موسیقی‌ای که بی‌بندوباری و شهوت را تقویت و تحریک می‌کند و مناسب مجالس لهو و لعب است ۲- طبق نظر همه مراجع، اگر تولیدکننده یک اثر، تکثیر و کپی آن اثر را جایز نداند تکثیر آن حرام است؛ خرید و استفاده از این آثار نیز حرام می‌باشد. ۳- تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و... دربردارنده تصاویر یا متون مسبب انحراف و فساد و یا دربردارنده موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش آنها + تماشا کردن و گوش دادن به آنها
ورزش و بازی	۴- ورزشی که همراه با قمار یا زین‌آور باشد. ۵- شرط‌بندی، از امور زین‌آور روحی و اجتماعی است و ← انجام آن، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی
اقتصاد	۶- خرید کالاهای خارجی مسبب وابستگی کشور ۷) از آنجا که رژیم صهیونیستی، سرزمین مسلمانان را به کمک انگلستان در سال‌های قبل به زور تصرف کرده و در آنجا غاصبانه یک کشور تشکیل داده است. هر نوع تجارتي که به نفع این رژیم باشد، همچون وارد کردن و ترویج کالاهایی که سرمایه‌داران این رژیم در آن شریک هستند حرام است

واجب

فرهنگ و ارتباطات	۱) ایجاد پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی در مواردی توسط افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند به منظور اشاعه‌ی فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی ۲) فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای پایگاه‌های ارتباطی بومی و داخلی بر دولت اسلامی ۳) بهره‌حتمی‌المقدور از وسایل ارتباطی داخلی ببریم + ممانعت از نفوذ و سلطه‌ی رسانه‌های بیگانگان.
ورزش و بازی	۴) دین اسلام از مسلمانان می‌خواهد برای سلامت و تندرستی خود بکوشند و از هر کاری که تندرستی را به خطر می‌اندازد، دوری کنند. ۵) خوب است هر مسلمانی بکوشد که بدنی قوی و نیرومند داشته باشد تا در زندگی از سلامت برخوردار باشد و بتواند بهتر فعالیت کند و در هنگام خطر و مبارزه با دشمنان دین پیروزمندانه عمل نماید
اقتصاد	۶) مدیریت اقتصاد کشور توسط مسئولین برای تحقق اهداف: استقلال اقتصادی و عدم سلطه و نفوذ بیگانگان + پیشروی به سوی عدالت و قسط و کاهش فاصله طبقاتی + حرکت به سوی آبادانی و عمران در عین دوری از دنیازدگی و تجمل‌گرایی. ۷) بکشیم که رزق و روزی حلال به خانه بیاوریم و از همه‌اموری که سبب ناپاک شدن روزی ما می‌شود، مانند تولید کالا با کیفیت پایین و فریبکاری در معامله خوداری کنیم تا: آثار مثبت روزی حلال را در زندگی خود و تربیت فرزندان مشاهده کنیم + به اقتصاد کشور کمک نماییم. + لقمه حلال ← بهبود زندگی. + حدیث رسول خدا (ص): عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن، کسب و کار حلال است. + حدیث علوی: یا مَعْشَرَ التَّجَّارِ، اَلْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرُ! ای گروه تاجران و بازرگانان! اول یادگیری مسائل شرعی تجارت سپس تجارت کردن ۸) بکشیم که همه از کالای ایرانی استفاده کنیم و کالای مرغوب در اختیار مردم قرار دهیم. امروزه کشورهای سلطه‌گر می‌کوشند تا از طریق برقراری روابط تجاری هدفمند، کنترل اقتصادی سایر کشورها را به دست بگیرند و آنها را به خود وابسته نمایند و استقلال آنان را از بین ببرند. بنابراین، بر دولت واجب است روابط اقتصادی با کشورها را به گونه‌ای تنظیم کند که آن کشورها نتوانند در مواقع خطر کشور ما را تحت فشار قرار دهند. ۹) اشرافی‌گری، تجمل‌گرایی برخی مسئولین و فساد اداری و مالی یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی اقتصادی و فاصله طبقاتی است که علاوه بر آثار منفی اقتصادی، باعث بی‌اعتمادی عمومی و رواج تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی در میان مردم می‌شود. بنابراین، بر مسئولین و مدیران کشور واجب است که از این شیوه زندگی اجتناب کنند و با اسوه قرار دادن خود، دیگران را به سوی یک اقتصاد سالم دعوت کنند. مجموعه افراد جامعه نیز باید با پیروی از پیامبر اکرم (ص) و امر به معروف و نهی از منکر روابط اقتصادی را سالم نگه دارند. ۱۰) از تخریب محیط زیست پیرامون خود جلوگیری کنیم. با توصیه به اطرافیان استفاده از سموم شیمیایی، پلاستیک، کاغذ و مانند آن را به حداقل برسانیم. ۱۱) امروزه کشورهای سلطه‌گر می‌کوشند تا از طریق برقراری روابط تجاری هدفمند، کنترل اقتصادی سایر کشورها را به دست بگیرند و آنها را به خود وابسته نمایند و استقلال آنان را از بین ببرند. بنابراین، بر دولت واجب است روابط اقتصادی با کشورها را به گونه‌ای تنظیم کند که آن کشورها نتوانند در مواقع خطر کشور ما را تحت فشار قرار دهند

درس نهم: پایه‌های استوار

از جمله برنامه‌های یک انسان مسلمان : مشارکت و تلاش او در ایجاد جامعه‌ای براساس معیارهای ← لزوم شناخت معیارهای تمدن اسلامی معرفی شده از سوی قرآن کریم و پیشوایان + برنامه‌ریزی و تلاش برای تحقق هرچه بهتر آن‌ها در جامعه .
+ لوازم گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام : تغییر در نگرش انسان‌ها + تحوّل بنیادین در شیوه‌ی زندگی فردی و اجتماعی مردم
+ آغاز رسالت بزرگ رسول خدا (ص) : شهر مکه + بنای پایه‌های یک جامعه‌ی دینی + آغاز حرکت به سوی تمدن اسلامی: با هجرت به مدینه و با کمک یاران خود

معیارهای تمدن اسلامی

معیار ۱) توحید محوری = نفی شرک

دعوت مردم به یکتاپرستی توسط رسول خدا (ص): از همان ابتدای دعوت با بیان : ای مردم بگوئید معبودی جز الله نیست، تا رستگار شوید .

+ آیه: مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: کسی که به خدا و به روز قیامت ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس برای آنان نزد پروردگارش پاداشان است و بر آن‌ها ترسی نیست و غمگین نمی‌شوند.

معیار ۲) آخرت گرایی = نفی اصالت بخشی به دنیا

فراتر بردن افق نگاه انسان‌ها را از محدوده‌ی زندگی دنیایی + آشنایی آنان با بعد دیگری از زندگی، یعنی زندگی در آخرت توسط رسول خدا (ص) .

+ آیه: مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: کسی که به خدا و به روز قیامت ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس برای آنان نزد پروردگارش پاداشان است و بر آن‌ها ترسی نیست و غمگین نمی‌شوند.

معیار ۳) ولایت مداری = اطاعت از خدا، رسول خدا(ص) و اولی الامر = نفی خودسری و پذیرش حاکمیت طاغوت

حاکمیت ولایت الهی به جای حکومت ستمگران و طاغوتیان + استواری نظام اجتماعی بر پایه‌ی قوانین و دستورات الهی

+ آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و پیامبر(ص) را اطاعت کنید و صاحبان امر که از شمایند.

معیار ۴) عدالت محوری = نفی ظلم و ستم

اهداف پیامبر اکرم (ص) از برپایی جامعه‌ای عدالت محور: سهولت بازستانی حق مظلوم از ظالم + فراهم بودن امکان رشد برای همه‌ی انسان‌ها + انحصاری نبودن نعمت‌ها و ثروت‌های زمین به گروهی

+ حدیث نبوی: برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد
+ اوصاف نمازگزاران در قرآن کریم: قرار دادن حق معین در مال خود برای محرومان و فقیران .
+ معرفی تکذیب‌کنندگان دین: راندن یتیمان از خود + عدم تشویق دیگران به اطعام مساکین .

+ رفتار پیامبر اکرم (ص) و بیانات قرآن کریم ← ایجاد فضایی با زشت شمردن فاصله‌ی طبقاتی و فقر و بی‌توجهی به محرومان + ارزشی والا تلقی گردیدن مساوات و قسط
+ آیه: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... : همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند.

+ توجه به عدالت محوری در اسلام : گفت‌وگوی میان رستم فرخ‌زاد، فرمانده‌ی سپاه یزدگرد سوم با فرمانده‌ی سپاه مسلمانان در هنگام مواجهه‌ی سپاه مسلمانان با سپاه ساسانیان

معیار ۵) ارتقای جایگاه خانواده، به عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها و مانع اصلی فساد و تباهی و توجه به جایگاه زن = نفی نگاه ایزاری به زن

جایگاه زن قبل از اسلام: زن کالایی همچون سایر کالاها تلقی می‌شد + از کمترین حقوق، از جمله حق مالکیت برخوردار نبود + تولد دختر در خانواده سرافکندگی آن خانواده را به دنبال داشت .

گفتار و رفتار رسول خدا (ص) در شرایط محرومیت زن از هرگونه احترام و جایگاه ← انقلابی عظیم در جایگاه خانواده و زن .

+ رسول خدا(ص): هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را شاد کند، مگر آنکه خداوند، روز قیامت او را شاد خواهد کرد .

+ رسول خدا(ص): دختران چه فرزندان خوبی هستند، سرشار از لطف، آماده کمک به پدر و مادر، انس گیرنده، باعث برکت و ریزبین و هنرمند و ظریف‌کار .

+ مصادیق جایگاه زن در خانواده: هر صبح پدر (پیامبر اکرم(ص)) در پیچه‌ی پنجه‌ی او می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد + هرگاه قصد سفر داشت، در منزل فاطمه (س) را می‌زد و با او خداحافظی می‌کرد + هرگاه نیز از سفر برمی‌گشت، فاطمه (س) اولین کسی بود که پیامبر (ص) به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید .

+ آیه: وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و یکی از نشانه‌های الهی آن است که برای شما آفرید همسرانی از [نوع] خودتان تا با ایشان آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد. قطعاً در این مورد نشانه‌هایی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند.

جایگاه زن بعد از اسلام: زنان حق مالکیت و کار داشتند + دسترنج آن‌ها به خودشان تعلق داشت و در اختیار همسر یا پدر قرار نمی‌گرفت ← می‌توانستند ثروت خود را وقف امور عام‌المنفعه کنند + تحصیل برای زنان آزاد بود و دانشمندان بزرگی از زنان در جهان اسلام پیدا شدند که قبلاً سابقه نداشت + قرآن کریم، اصولاً تلقی درجه‌ی دوم بودن زن(براساس تورات) را به شدت نفی کرد + با این نگاه مبارزه کرد.

معیار ۶) عقل گرایی و خردورزی = نفی خرافه گرایی

اولین آیات نازل شده بر رسول خدا (ص) برای آغازگر رسالت: درباره‌ی دانش و آموختن

نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر آن به خردورزی و دانش + تشویق‌های دائمی پیامبر(ص) ← شکستن سد جاهلیت و اشتیاق یکی از جاهل‌ترین جوامع آن روز به علم + رسول خدا (ص): طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است .

+ رسول خدا (ص): کسی که دوست می‌دارد نگاهش به چهره‌ی کسانی افتد که از آتش دوزخ در امان‌اند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم [نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر] ، به خانه‌ی عالمی رفت‌وآمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک ساله‌ی عابد برای او منظور می‌گردد و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. بر روی زمین که راه می‌رود، زمین نیز برای او طلب آموزش می‌کند.

واقعه پرسشهای مکرر و طولانی خانمی درباره نماز از حضرت فاطمه(س): نشان منزلت علمی و بینش روشن حضرت فاطمه زهرا (س) + توجه به معرفت و تفکر
+ آیه: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ: بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند، تنها خردمندان متذکر می‌شوند.
تلاش پیامبر (ص) و پیشوایان ما ← علاقه‌ی مسلمانان به علم و دانش : روزافزونی توجه نیاکان ما به اندیشه و تفکر و ارزشمندی علم + مشاهده ثمرات آن در تمدن اسلامی:
رساندن علوم و دانش بشری از چند شاخه‌ی محدود به پانصد شاخه جهان = توسعه‌ی زیاد علم + شاخه‌شاخه کردن آن + پرداختن به آن به صورت تخصصی .
+ شوق و علاقه‌ی نیاکان ما به دانش ← بنای مدرسه در کنار هر مسجد در بسیاری شهرها.
+ ابن‌سینا: از بزرگ‌ترین دانشمندان در تمدن اسلامی + آثار وی: از عوامل اصلی تحول اندیشه در اروپا + توجه اروپاییان، به تفکر فلسفی و دانش طبیعی .
+ بیان ملاصدرا (فیلسوف بزرگ اسلامی) درباره‌ی هماهنگی میان دین و تفکر عقلی : نمی‌شود قوانین این دین بر حق الهی که چون خورشید، روشن و درخشان است، با دانش
استدلالی یقینی مخالفت داشته باشد. نیست باد آن فلسفه‌ای که قوانینش با کتاب قرآن و سنت رسول خدا (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) مطابقت نداشته باشد.
+ درخشانی وضع مسلمانان در امور مربوط به بهداشت و سلامتی در تمدن اسلامی، در قرون اولیه،
+ دستورات ساده اسلام مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی (طهارت و نجاست) و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان ← تحول در دنیای اسلام
+ از ویژگی‌های فرهنگ علمی دوره‌ی اسلامی: منحصر نبودن تحصیل علم به طبقه یا قشری خاص
+ طرح سؤال‌های علمی زنان از رسول خدا (ص) در حضور ایشان + تشکیل کلاس علمی توسط حضرت فاطمه (س) برای علم‌آموزی زنان مدینه .
+ قرار گیری برخی از همسران رسول خدا (ص) در شمار راویان حدیث.

نتایج ارزیابی تمدن جدید با معیارهای الهی: پی بردن به نقاط قوت و ضعف این تمدن + شناسایی بهتر نحوه‌ی زندگی در آن + آگاهی از مسئولیت خود در مواجهه با آن .

سه تمدن بزرگ اروپا

تمدن اول: شکل‌گیری: در یونان باستان قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) در قرن‌های ششم تا چهارم قبل از میلاد + تداوم: در روم باستان

تمدن دوم: آغاز: قرن چهارم میلادی با گسترش مسیحیت در اروپا و آغاز حاکمیت کلیسا بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم + تداوم: تا قرن‌های پانزدهم و شانزدهم (قرون وسطی)

تمدن سوم: شروع: با افول قدرت کلیسا در همین قرن‌ها + تداوم: تاکنون

تمدن جدید (تمدن سوم): تحت تأثیر خود قرار دادن تقریبی تمامی جوامع جهان امروز + نمایان بودن آثار آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و
دلایل لزوم آشنایی با نقاط قوت و ضعف تمدن جدید:

(۱) ارتباط مستقیم ما مسلمانان مانند سایر ملت‌ها با این تمدن ← تأثیرگذاری بر آن و تأثیرپذیری از آن ← هر قدر آگاهی و هوشیاری ما بیشتر، قدرت تأثیرگذاری ما بیشتر.

(۲) کمک در بهره‌مندی از نقاط قوت این تمدن در راستای احیای تمدن اسلامی + برنامه‌ریزی درست و کم‌اشتباه برای سامان‌دهی تمدن اسلامی با عبرت‌گیری از ضعف‌ها و آسیب‌های آن .

زمینه‌های پیدایش تمدن جدید

۱- کلیسا و تعالیم تحریف شده

آغاز تمدن دوم اروپا با کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت‌پرستی + روی آوری به مسیحیت برای اروپای گرفتار قرن‌ها بت‌پرستی = یک حرکت رو به جلو
دستاوردهای مثبت ظهور تمدن دوم: اعتقاد مردم بت‌پرست اروپا به یک دین الهی + از بین رفتن بت‌ها و بت‌خانه‌ها + حاکم شدن اتحاد در سرزمین + ساخته شدن بناهای باشکوه مذهبی + نگارش کتاب‌هایی در اخلاق، معنویت و فرهنگ + پدید آمدن آثار هنری بزرگ .
دستاوردهای منفی ظهور تمدن قرون وسطی:

الف- تبلیغ اعتقادات نادرست (که از نظر خودشان، اعتقادات رسمی مسیحیت بود) توسط مبلغان مسیحی:

(۱) غسل تعمید: اعتقاد به ارتکاب گناه آدم در بهشت اولیه و سرایت آن به فرزندان آدم ← به دنیا آمدن همه انسانها با گناه اولیه ← وجوب غسل ویژه (تعمید) هر کودکی پس از تولد برای پاک شدن از گناه .

(۲) فدا و به دار آویخته شدن مسیح (ع) به عنوان تاوان گناهان بشریت

(۳) اعتراف به گناهان در حضور کشیش: آموزش توبه‌کننده + به‌دست آوردن عفو ابدی با اعتراف در برابر کشیش

(۴) اختصاص عبادت و راز و نیاز با خدا به روز معینی در هفته + در محل کلیسا + در حضور کشیشان ← سست شدن ارتباط شخصی و پیوسته‌ی انسان با خدا + واسطه قرار گرفتن کشیشان میان خدا و بندگان او + فروش بهشت توسط بسیاری از کشیشان + به‌دست آوردن پول‌های کلان در عوض بخشش گناه .

(۵) ازدواج مسیحی: نبودن امکان جدایی زن و شوهر پس از ازدواج + و ابدیت پیوندشان + نداشتن حق مالکیت زن + تغییر نام خانوادگی وی به نام خانوادگی شوهر + حق ازدواج نداشتن کشیش‌ها و تجرد تا آخر عمر + تلقی ازدواج به عنوان امری دنیایی و پست .

ب- ضروری بودن پذیرش عقاید رهبران کلیسا درباره‌ی هر موضوعی، حتی موضوعات علمی + کفر تلقی شدن مخالفت با آن.

ج- توجه کمتر به عقل و عقلانیت + اعتقاد به ناسازگاری تعقل با ایمان و مسبب تزلزل ایمان .

د- پذیرش نظریات دانشمندان گذشته درباره‌ی زمین، خورشید، ستارگان و مانند آن توسط رهبران کلیسا ← مخالفت با آن نظریات را مخالفت با دین مسیح پنداشتن + ممانعت از نشر نظریات جدید.

پیامد این اعتقادات و آداب و رسوم ساخته‌ی کلیسا: گرفتاری اروپا با فساد، عقب‌ماندگی و مشکلات دیگر + چاره‌اندیشی برخی از رهبران روشنفکر کلیسا و بسیاری از دانشمندان + مطالعه و تحقیق برای رسیدن به راه حل مناسب .

۲- بهره‌گیری از سایر تمدن‌ها

تولد تمدن اسلامی: حدود قرن هفتم میلادی و در اواسط قرون وسطی، در همسایگی سرزمین اروپا + شکوفایی طی دو تا سه قرن + پرتو افکنی بر محیط‌های پیرامون خود.

آشنایی اندک اندیشمندان و دلسوزان اروپایی با تمدن مسلمانان ← بهره‌برداری از ثمرات تمدن اسلامی برای تحول در جامعه‌ی خود با شور و شوق فراوان + ترجمه سریع کتب دانشمندان مسلمان + افزایش علاقه به پژوهش و آزمایش و تجربه + شروع نقد رهبران + توجه به حقوق و قانون + قراردادن خردورزی در دستور کار .

+ سخن مونتگمری وات، اسلام‌شناس انگلیسی در خصوص تأثیرپذیری تمدن جدید از تمدن اسلامی: علم و فلسفه‌ی اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی‌یافت؛ ...
+ ویل دورانت: مدیون دانستن بسیاری از هنرها و فنون برجسته‌ی اروپایی همچون معماری، اسلحه‌سازی، شیشه‌گری و ... به صنعتگران مسلمان .

(۱) حوزه علم +۲ -۳ -۳ مسولیت

۱- رشد سریع علم: جهش فوق‌العاده تولید علم در قرون اخیر ← دوران جدید = دوران علم.

اختراع صنعت چاپ، کشف الکتریسیته، ساخت ماشین، اختراع وسایل ارتباطی مانند: تلفن، رادیو، تلویزیون و ماهواره، راه‌اندازی شبکه‌های اینترنت، نظریات و کشفیات جدید در علوم مختلف ← تحول زندگی در جهان امروز .

آثار
مثبت +

	<p>۲- توانایی بهره‌مندی بیش‌تر از طبیعت:</p> <p>علم و تکنولوژی ← توانایی تصرف فوق‌العاده آدمی در طبیعت + ایجاد تغییراتی در آن ← بیرون کشیدن نفت از اعماق زمین ، استخراج معادن ، شکافتن کوه‌ها برای ساخت تونل ، مهار آب‌ها با سد های بزرگ و به رخ طبیعت کشیدن قدرت و توانایی خود .</p>
	<p>۱- مصرف‌زدگی :</p> <p>ساخته شدن ماشین‌آلات صنعتی ← آغاز تولید انبوه (در ابتدا : رفع نیازهای طبیعی مردم) در بسیاری از موارد : بیش از نیاز طبیعی بازار ← ایجاد نیازهای کاذب توسط کارخانه‌داران با استفاده از جاذبه‌ی تبلیغات در مردم ← کشاندن آنان به تنوع‌طلبی + افزایش مصرف‌گرایی به گونه‌ای سرسام‌آور ← رسیدن به سود بیش‌تر .</p> <p>← تغییر الگوی زندگی و دل‌مشغولی دائمی مردم به کالاهای گوناگون ← غافل‌ساختن انسان از اساسی‌ترین نیاز خود : پرورش و تکامل بُعد معنوی و متعالی.</p> <p>دیدگاه غالب و حاکم در تمدن جدید: انسان را صرفاً یک موجود زنده‌ی طبیعی با نیازهای مادی و طبیعی مانند دیگر موجودات، ولی پیچیده‌تر دانستن ← بی‌توجهی به بُعد معنوی و فطرت الهی .</p>
	<p>۲- نابودی طبیعت:</p> <p>افزایش توان علمی بشر و دستیابی به ابزارهای نوین ← افزایش سرعت توانایی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی + تخریب ساختار طبیعی محیط زیست + آلودگی محیط دریاها و اقیانوس‌ها + بر هم خوردن تعادل ترکیبی گازهای جوی + ده‌ها بحران زیست‌محیطی برای انسان</p>
	<p>۳- علم‌زدگی:</p> <p>پیشرفت‌های گسترده در علم از حدود قرن هجدهم میلادی ← پدیدآمدن احساس: علم تجربی تنها رمز سعادت ملت‌هاست + جامعه‌ای که این راه را بپیماید، کلید خوشبختی را به‌دست آورده است.</p> <p>شکست‌های پی‌درپی جوامع غربی در عرصه‌ی اخلاق + ظهور بحران‌های اخلاقی در این جوامع پس از گذشت چند قرن ← آگاهی بسیاری از مردم به : ناتوانی علم تجربی در پاسخگویی به همه‌ی نیازهای آنان + جست‌وجوی سعادت و خوشبختی تنها در این علم.</p> <p>نیاز انسان غربی به معنویت ← ایجاد مکاتب و فرقه‌هایی به نام مکاتب عرفانی و معنوی توسط برخی افراد و گروه‌ها با هدف کسب مقام و شهرت با ادعای پاسخ به نیازهای معنوی بشر در ظاهر ← نداشتن نتیجه‌ای جز سردرگمی برای بشر تشنه‌ی امروز به دلیل برنیآمدن از آموزه‌های وحیانی .</p>
	<p>دریافت سطحی از توانمندی ذاتی انسان + قدرت جوانان و نوجوانان ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده‌ی اسلام ← بلندپروازی به نظر رسیدن احیای تمدن اسلامی در مقایسه با توان و امکانات موجود + تلقی دور از دسترس بودن رسیدن به آن.</p> <p>دستیابی به این هدف بزرگ و حساس: نیازمند برنامه‌ای که ما را به آن سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد .</p>
	<p>۱) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی ← تقویت پایه‌های استقلال یک ملت + ممانعت از تسلط بیگانگان.</p> <p>+ تذکر مقام معظم رهبری: باید علم را که مایه‌ی اقتدار ملی است، همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش و درون زاست. باید استعداد‌های یک ملت به‌کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود.</p> <p>قدم‌های اولیه در تقویت پایه های کشورمان ایران: پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی + لزوم تداوم آن با همت بلندتر و عزم قوی‌تر + پیمودن همه‌ی عرصه‌های دانش .</p>
	<p>۱- حضور موثر و فعال در جامعه جهانی:</p> <p>جستجوی خوشبختی تنها در علم تجربی و ابزارهای مادی توسط جوامع غربی + شکست در مسیر خود ← به شدت به دنبال راه و مکتب نجات‌بخش گشتن .</p> <p>پیام اسلام: پیامی مطابق با فطرت انسان‌ها</p> <p>شنیدن دعوت قرآن به عقلانیت، عدالت، دوری از ستمگری و ستم‌پذیری، پاکدامنی، معنویت و تقوا توسط هر انسان روشن‌ضمیر جویای حقیقت ← جذب اسلام شدن به‌طور طبیعی + رسیدن هر حقیقت‌جویی به سیمای واقعی پیامبر اکرم (ص) در میان هزاران کتاب، مقاله، فیلم و انواع تبلیغات علیه ایشان ← ستایش پیامبر(ص) به بزرگی روح ← لزوم تبلیغ این پیام‌رهای بخش با همان شیوه‌های رسول خدا (ص) در جهان و رساندن به دیگران.</p>
	<p>۳- ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام:</p> <p>لزوم برقراری تناسب منطقی و معقول میان یک پیام و روش تبلیغ ← + عدم امکان رساندن حق با روش‌های نادرست به دیگران.</p> <p>دین اسلام : یک دین منطقی و استدلالی + تنظیم هر آموزه و حکم آن بر اساس حکمت الهی ← عدم امکان تبلیغ آن و جلب نظر مردم به آن با تعصب‌های جاهلانه یا با روش‌های فریبکارانه:</p> <p>+ آیه: أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... : به راه پروردگارت دعوت کن با دانش استوار و اندرز نیکو و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما...</p> <p>+ سه روش صحیح دعوت: حکمت و استدلال عقلی در هنگام دعوت + استفاده از موعظه‌ی حسنه (اندرز نیکو) + استفاده از جدال احسن و بهتر، هنگام بحث و مناظره</p>

آثار منفی -

مسئولیت مسلمانان

	<p>۲) حوزه‌ی عدل و قسط +۲ -۲ ۲ مسئولیت</p> <p>۱- توجه به قانون:</p> <p>توجه گسترده به حقوق، قانون، ساختار حکومت و دولت در کشورهای اروپایی : عموماً عکس‌العملی در برابر حاکمیت نامطلوب کلیسا در قرون وسطی.</p> <p>آگاهی به قانون و حقوق : ابتدا با ترجمه‌ی آثار اسلامی.</p>
--	---

آثار مثبت +

+ فواید: آشنایی مردم با حقوق خود در مقابل دولت‌ها و در رابطه‌ی با یکدیگر + تدوین قوانین حقوقی پرداختند و تأسیس سازمان‌هایی برای حفظ آن‌ها + رسمیت حق کارگر، کودک، تعلیم و تربیت، داشتن شغل، حقوق متقابل زن و مرد و حق مردم در مقابل دولت .

۲- مشارکت مردم در تشکیل حکومت :

+ حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم در امور خود ← خروج برخی حکومت‌های استبدادی و موروثی حاکم بر کشورهای اروپایی از صحنه .

۱- ظهور ظلم فراگیر و پدیده‌ی استعمار :

تولید انبوه کالا و نیاز به بازارهای کشورهای دیگر + احتیاج به منابع طبیعی آن کشورها + روحیه‌ی فزون‌خواهی حاکمان غربی ← هدف قرار دادن کشورهای دیگر به‌خصوص در آسیا و آفریقا توسط سرمایه‌داران و قدرتمندان غربی + تصرف بسیاری از این کشورها به بهانه‌ی استعمار (یعنی آباد کردن) + بردن ذخایر با ارزش و گران‌قیمت آن‌ها، از آثار باستانی و کتاب‌های خطی تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی، به کشور خود + فقر و نیازمندی آن ملت‌ها.

دوره‌ی استعمار: دوره‌ی غارت عینی ثروت ملت‌ها + تداوم تا اواخر قرن بیستم . یکی از سیاه‌ترین دوران‌های زندگی انسان روی کره‌ی زمین: ربه‌ی شده شدن میلیون‌ها آفریقایی از این قاره و مالکیت اروپاییان و آمریکایی‌ها بر آنها و واداشتن آنان به عنوان برده در مزرعه‌ها، کارخانه‌ها و معادن به کارهای طاقت‌فرسا در ابتدای همین دوره ← نشانه قائل شدن حقوق کودکان و زنان و مردان در تمدن جدید فقط برای هم‌نژادهای خود + بی‌اهمیتی زنان و مردان و کودکان سیاه یا سرخ‌پوست برای آنان بیداری ملت‌ها ← آغاز مبارزه با استعمارگران از اواخر قرن نوزدهم ← دست برداشتن دولت‌های غربی، از استعمار عینی کشورها + خروج حاکمان و نظامیان خود ← استعمار نو

باور برخی محققان: میزان بالای ثروت منتقل شده در دوره‌ی استعمار از کشورهای استعمار زده به کشورهای استعمارگر ← ایجاد پایه‌های اصلی قدرت اقتصادی غرب

۲- افزایش فاصله‌ی میان انسان‌های فقیر و غنی در جهان :

پایه شکل‌گیری نظام‌های سیاسی جدید: قدرت سرمایه‌داران + نفع‌طلبی فزاینده آنان.

خرید منابع طبیعی اکثر نقاط جهان به بهایی بسیار اندک توسط صاحبان سرمایه و صنعت + تراج با قدرت نظامی خود + فروش کالاهای خود با قیمت‌هایی بسیار سنگین به مردم همان سرزمین ← غنی‌تر شدن بخش کوچکی از جهان + فقر و تنگدستی بخش اعظم جهان.

۱- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر:

نرم شدن دل بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق + گرایش به حقیقت و عدالت.

تهدید منافع گروهی از اهل باطل با گسترش عدالت ← زیر بار حق و حقیقت نرفتن + سد راه حق‌جویی و حق‌پرستی شدن

تابع خود کردن همگان + افکندن یوغ اسارت بر گردن دیگران ← آرامش اهل باطل

امام خمینی (ره) : نکته‌ی مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول (بازگشتن/ دست‌کشیدن) از همه‌ی هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته‌ی قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این‌که شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها، آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند .

← عدم انحصار دعوت به حق و عدالت به صحبت و شعار + لزوم برنامه‌ریزی و قیام برای تحقق آن و فراهم کردن شرایط زوده شدن موانع حق و حق‌پرستی از جامعه‌ی خود و جهان . + امکان این مهم با: تلاش و پشتکار + جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا + تحمل همه‌ی سختی‌های راه حق و حقیقت .

۲- استحکام بخشیدن به نظام اسلامی:

مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان: استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور

انزوای یک کشور ضعیف به‌طور طبیعی + نیافتن همراه و همدلی در دنیا.

+ از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی: استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه‌ی عدالت در همه‌ی ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه‌ی مقدس امر به معروف و نهی از منکر .

(۳) حوزه خانواده +۰ -۳ ۱ مسولیت

۱- فروپاشی نهاد خانواده:

خانواده در غرب قدیم : خانواده‌ی هسته‌ای (مرکب از پدر، مادر و فرزندان) + خانواده‌ی گسترده (اقوام و خویشان)

خانواده غربی در خلال دو نسل گذشته: متلاشی شدن خانواده‌ی گسترده + از هم گسیختگی تدریجی خانواده هسته‌ای + بزرگ شدن شمار فرزندانی از کودکان در خانواده‌ها یا خانه‌هایی بدون حضور پدر یا مادر .

ناتوانی پدر یا مادر به تنهایی در ایفای وظیفه‌ی پدری و مادری ← شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت‌های پدرها و مادرها در خانواده‌های اصیل برای انتقال دادن ارزش‌های اخلاقی به جوانان ← تشکیل زندگی بسیاری از جوانان توسط خود به ناچار ← تنها زندگی کردن (زندگی تنهای ۹ میلیون نفر فقط در کشور انگلیس ← ایجاد وزارت تنهایی توسط دولت به ناچار)

۲- بی‌بندوباری جنسی:

شدت رواج بی‌بندوباری جنسی در غرب ← اعتقاد به ناتوانی اصلاح و مبارزه با آن از سوی بسیاری از مردم ← تغییر ناگزیر ضوابط و معیارهای اخلاقی.

+ معنا نداشتن هیچ‌گونه ضابطه و معیار مذهبی یا اخلاقی با منشأ الهی در میان غربیان جدید .

۳- استفاده‌ی ابزاری از زنان:

استفاده‌ی ابزاری از زنان برای تبلیغ کالاهای سرمایه‌داران، تشویق آنان به پوشیدن لباس‌های نامناسب و تحریک‌کننده، عادی شدن روابط نامشروع میان زنان و مردان در برخی کشورها، و تجارت گسترده‌ی زنان به عنوان کالای جنسی. کنار رفتن لایه‌ی ظاهری و سطحی موقعیت زن در دنیای امروز، که بسیار زیبا و خوش‌منظر آراسته شده + آشکار شدن باطن ← مشاهده ربودن گوی سبقت سودآوری تجارت فحشا از تجارت مواد مخدر و اسلحه .

آثار منفی -

مسئولیت مسلمانان

آثار منفی -

تلاش در جهت تحکیم بنیان خانواده:

خانواده: کانون رشد فضیلت‌ها و پاکی‌ها + محل تربیت نسل‌های خلاق، توانمند و با همت.

+ تحکیم بنیان خانواده ← رشد فضائل اخلاقی در جامعه + کاهش فساد و جرم + حضور انسان‌های با فضیلت و کارآمد

+ سستی بنیان خانواده ← گسترش فساد و تباهی + بر عهده‌گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی توسط نسل‌هایی فاقد کفایت قوت و قدرت روحی .

دعای حضرت ابراهیم(ع) و حضرت اسماعیل(ع) به هنگام بالا بردن پایه‌های خانه‌ی کعبه و بنای یک جامعه‌ی توحیدی : برای خود + اعطاء ذریه و نوادگان تداوم بخش راه توحید و اسلام .